

اجلاس سپتامبر ۲۰۰۵ شورای حکام

در ۲۴ مردادماه ۱۳۸۴ (۱۵ اوت ۲۰۰۵)، دکتر علی لاریجانی جایگزین دکتر حسن روحانی شد و دبیری شورای عالی امنیت ملی و مسئولیت پرونده هسته ای را عهده دار گردید.

دکتر لاریجانی در ۴ شهریورماه ۱۳۸۴ (۲۶ اوت ۲۰۰۵) به منظور گفتگو با مدیرکل آژانس بین المللی به وین سفر کرد. وی پس از بازگشت از وین، درخصوص نتایج این سفر اظهار داشت: "ایران در مورد چرخه سوخت فناوری هسته ای جدی است و آن را جزو آرمان های ملی تلقی می کند و من تلاش کردم در دیدار با آقای البرادعی این موضوع را به وی اطلاع دهم. ایشان را به همدلی درخصوص موضوع هسته ای همراه سازم. آن چه که برای ما از لحاظ مسائل هسته ای مهم است، مقررات آژانس است. آژانس نکاتی را مدنظر خود قرار داده که بنا شد با تشکیل گروه های کارشناسی، ارتباط تنگاتنگی بین ما و آژانس برقرار گردد تا بدین وسیله بتوان ابهامات ایجاد شده را از میان برد".

در ۲۶ شهریورماه ۱۳۸۴ (۱۷ سپتامبر ۲۰۰۵) نیز دکتر احمدی نژاد با حضور در شصتیمین اجلاس سران سازمان ملل متحد، ابتکار هسته ای خود را مبتنی بر اصول زیر ارائه نمود: "ایران براساس مبانی دینی، حرکت به سمت تسلیحات هسته ای را جایز نمی داند. جمهوری اسلامی ایران احیای معاهده ان.پی.تی و ایجاد کمیته ویژه خلع سلاح را اقدامی ضروری و اساسی برای مقابله با سلاح های هسته ای و رفع آپارتاید هسته ای می داند. چرخه تولید سوخت هسته ای در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ فنی، متفاوت از چرخه سوخت در سایر کشورهای بهره مند از فن آوری هسته ای نیست. براین اساس، جمهوری اسلامی ایران آماده است در اجرای پروژه غنی سازی اورانیوم در ایران و برای شفاف سازی و اعتمادسازی، به طور جدی با بخش های خصوصی و دولتی سایر کشورها مشارکت نماید و این گام مهم دیگری ورای همه ضوابط ان.پی.تی است که جمهوری اسلامی صرفاً جهت اعتمادسازی و روشننگری فعالیت هسته ای خویش آن را پیشنهاد می نماید. برپایه حق مسلم ایران برای دستیابی به چرخه تولید سوخت هسته ای، ادامه تعامل و مراوده دقیق و فنی و حقوقی با آژانس بین المللی انرژی اتمی محور سیاست هسته ای جمهوری اسلامی ایران است. مبادرت و استمرار مذاکرات با کشورهای دیگر درچارچوب تعامل ایران با آژانس محسوب می شود".

مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی براساس درخواست شورای حکام< در اجلاس اوت ۲۰۰۵ گزارش کتبی را درخصوص اجرای پادمان در جمهوری اسلامی ایران به اجلاس سپتامبر ۲۰۰۵ این شورا ارائه نمود. درخصوص منشأ آلودگی در این گزارش آمده است که نتایج بررسی های آژانس، اظهارات ایران در مورد منشأ خارجی آلودگی های با غنای بالا را تأیید می کند. درخصوص برنامه غنی سازی ساترئیوژهای پی.یک و پی.دو نیز این گزارش حاکی از همکاری ایران با آژانس و

پیشرفت در این زمینه می باشد. درمورد آزمایش های پلوتونیوم نیز در گزارش آمده است که آژانس در حال ارزیابی این موضوع می باشد. موضوع دیگری که در این گزارش باز شد، معدن گچین بود که آژانس ضمن اشاره به همکاری های ایران اذعان داشت که تحقیقات در این زمینه ادامه دارد. گزارش به موضوع پلونیوم نیز اشاره کرده که آژانس به دلیل این که پلونیوم با برلیوم می تواند برای مقاصد نظامی به کار رود، به این موضوع علاقمند است. در این گزارش همچنین آمده است که ایران به اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی و تعلیق غنی سازی ادامه می دهد و دسترسی های لازم را تحت موافقت نامه پادمان پروتکل الحاقی و حتی فراتر از پروتکل الحاقی و اقدامات شفاف ساز فراهم کرده است. مدیرکل آژانس به ابهامات آژانس درخصوص لویزان و شیان و اقلام دو منظوره مرکز تحقیقات فیزیک نیز اشاره کرد و این که آژانس کماکان مشغول ادامه ارزیابی های خود در این زمینه می باشد.

نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و جنبش عدم تعهد نیز در اجلاس سپتامبر ۲۰۰۵ شورای حکام با قرائت بیانیه های مواضع خود را درخصوص گزارش مدیرکل آژانس و همچنین اظهارات آمریکا و کشورهای غربی تبیین کردند. جمهوری اسلامی ایران همچنین نظرات کتبی خود درخصوص بخش های مختلف گزارش سپتامبر مدیرکل آژانس را تنظیم و آن را در اختیار دبیرخانه آژانس و اعضای شورای حکام قرار داد.

متأسفانه، علیرغم همکاری های گسترده ایران با آژانس و اقدامات اعتمادساز و شفاف ساز شاهد تصویب هشتمین قطعنامه پیشنهادی کشورهای اروپایی در شورای حکام علیه فعالیت های صلح آمیز هسته ای ایران و احراز سیاسی عدم پایبندی ایران توسط آمریکا و چند کشور اروپایی عضو شورای حکام هستیم. لازم به توضیح است که برطبق ماده ۱۲ اساسنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی، احراز عدم پایبندی یک کشور عضو معاهده NPT برعهده بازرسان آژانس گذاشته شده است که باید آن را به مدیرکل آژانس گزارش نمایند. این درحالی است که درخصوص فعالیت هسته ای ایران در هیچ یک از گزارشات آژانس به عدم پایبندی اشاره نشده است و در واقع، عدم پایبندی به صورت سیاسی و توسط چند کشور در یک نهاد سیاسی احراز شده است.

پس از تصویب قطعنامه شورای حکام، نماینده جمهوری اسلامی در آژانس بین المللی انرژی اتمی با قرائت بیانیه ای ضمن اعتراض به این اقدام غیرقانونی شورای حکام، اظهار داشت: پیشنهاد ماه اوت ۲۰۰۵ اروپا برای حذف چرخه سوخت، نقض موافقت نامه پاریس محسوب می شود و تصمیم شورای حکام (احراز سیاسی عدم پایبندی) نیز بیانیه تهران را نقض می کند و با درگیر شدن شورای امنیت، ایران هیچ تعهدی درخصوص اقدامات داوطلبانه و موقت تحت بیانیه تهران ندارد. در این بیانیه، همچنین ضمن اعلام آمادگی ایران برای ادامه همکاری های خود با آژانس تحت

تعهدات پادمانی اش، بر آمادگی ایران برای انجام مذاکرات بر مبنای ابتکار رئیس جمهور اسلامی ایران در مجمع عمومی نیز تصریح شده است. در این بیانیه، عزم ایران برای اعمال حقوق خویش و عدم توقف آن نیز مورد تأکید قرار گرفته است. لازم به توضیح است که مواضع جمهوری اسلامی ایران در خصوص این قطعنامه و نقد حقوقی آن نیز به صورت کتبی در اختیار آژانس و اعضای شورای حکام قرار گرفت و در قالب سند آژانس نیز منتشر گردید. جنبش عدم تعهد نیز مجدداً با صدور بیانیه ای پس از تصویب قطعنامه شورای حکام ضمن اعتراض به چنین قطعنامه ای، از عدم لحاظ نمودن مواضع عدم تعهد انتقاد کرد. در این بیانیه آمده است که این قطعنامه حق کشورها برای توسعه انرژی هسته ای را زیر سؤال می برد و بین تعهدات حقوقی و اقدامات داوطلبانه تفکیک قائل نمی شود. بیانیه همچنین از تعیین پیشاپیش عدم پایبندی بدون این که مدیرکل آژانس کار خود را تکمیل نماید، انتقاد کرد.

۱. گزارش مدیرکل آژانس درخصوص اجرای موافقت نامه پادمان در ایران^۱

الف) یافته ها از نوامبر ۲۰۰۴

به عنوان اقدامات اصلاحی، ایران این اقدامات را انجام داد: گزارش های تغییر سیاهه و موجودی مربوط به واردات، انتقال، حمل و دریافت داخلی، از بین رفتن و دور ریختن مواد هسته ای را ارائه کرد؛ گزارش های موجودی مواد و فهرست های فیزیکی مربوط به تمام مواد هسته ای اظهارشده را ارائه نموده و مواد موجود را برای راستی آزمایی در اختیار آژانس قرار داد؛ اظهارنامه های مربوط به تأسیسات غنی سازی در کارگاه شرکت کالای الکتریک، غنی سازی لیزر در مرکز تحقیقات هسته ای تهران و لشکرآباد و ذخیره سازی پسماند را ارائه کرد؛ اطلاعات طراحی مربوط به تأسیسات واقع در مرکز تحقیقات هسته ای تهران و مرکز فن آوری هسته ای اصفهان را ارائه نمود. در نتیجه این اقدامات اصلاحی و سایر فعالیت ها، آژانس توانست تا نوامبر ۲۰۰۴ جنبه های مشخصی از اظهارنامه های ایران (مربوط به فعالیت های تبدیل و غنی سازی لیزر) را مورد تأیید قرار دهد که همانطور که به شورا خاطر نشان گردید، به عنوان موضوعات عادی اجرای پادمان به موجب موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی پیگیری خواهد شد. در عین حال، ایران اطلاعات تازه ای در مورد تاریخ های فعالیت های تحقیقات پلوتونیوم ارائه داده است که با تاریخ های قبلی تفاوت دارد. در نوامبر ۲۰۰۴، درحالی که برخی موضوعات نیاز به پیگیری داشت، دو موضوع همچنان باقی مانده بود که بر مبنای آن آژانس بتواند تضمین دهد که هیچ ماده اظهارنشده ای وجود ندارد و هیچ فعالیت اظهارنشده ای در زمینه غنی سازی در ایران صورت نمی گیرد. این دو موضوع عبارت بودند از: یافتن منشأ آلودگی با درجه غنای پایین و با درجه غنای بالا که در مکان های مختلف وجود داشت و موضوع دیگر دامنه تلاش های ایران برای وارد کردن، تولید و استفاده از طرح های سانتریفیوژهای P۱ و P۲ می باشد.

ب) تحولات از نوامبر ۲۰۰۴ به بعد

آلودگی:

آژانس بین المللی انرژی اتمی، به عنوان بخش اساسی در تحقیقات مربوط به برنامه غنی سازی ایران، نمونه برداری های وسیعی را در نقاط مختلفی که ایران اعلام داشته بود که اجزای سانتریفیوژها را تولید، استفاده یا انبار کرده است به عمل آورد. هدف از این نمونه برداری ها، ارزیابی صحت و کامل بودن اظهارنامه های ایران در مورد فعالیت های غنی سازی بود. نتیجه بررسی

^۱ GOV/۲۰۰۵/۲۷،۲ SEPTEMBER ۲۰۰۵.

های به عمل آمده بر روی این نمونه برداری ها نشان می دهد که مواد اورانیوم با غنای پائین و اورانیوم با غنای بالا نشان دهنده نوع مواد هسته ای است که در سیاهه مواد هسته ای اظهار شده از سوی ایران منظور نشده است و بدین ترتیب، کامل بودن اظهارنامه های ایران در زمینه فعالیت های غنی سازی در سانتریفیوژها را زیر سؤال می برد. مقامات ایرانی وجود این ذرات را به خاطر آلودگی تجهیزات سانتریفیوژهای وارداتی می دانستند. در این چارچوب، ایران اعلام داشت که عمل غنی سازی در ایران فراتر از ۱/۲٪ نبوده است. در ژانویه ۲۰۰۵ تیمی از آژانس از برخی مناطق در یکی از کشورهای عضو که طبق اعلام ایران تجهیزات سانتریفیوژ را از آن کشور وارد کرده بود، بازدید کرد. این تجهیزات قبل از آن که به ایران ارسال شود، توسط شبکه تأمین کننده انبار شده بود. در ماه مارس ۲۰۰۵ نمونه برداری های بیشتری در یکی از این محل ها صورت گرفت. نتیجه نمونه برداری های محیطی که در این مناطق صورت گرفته است، هنوز اعلام نشده است و بعد از تکمیل تحقیقات اعلام خواهد شد. در ۲۱ مه سال ۲۰۰۵، آژانس از یک کشور عضو دیگر تعدادی قطعات سانتریفیوژ دریافت کرد. این برداشت وجود داشت که چنانچه نمونه برداری محیطی انجام شود، ممکن است منشأ آلودگی اورانیوم با غنای پائین و آلودگی اورانیوم با غنای بالا که در نقاط مختلف در ایران مشاهده شده بود، یافت شود. بررسی هایی که از نمونه برداری های انجام شده از این تجهیزات به عمل آمد، در اوائل اوت ۲۰۰۵ کامل گردید. این بررسی ها در آزمایشگاه تحلیلی پادمان آژانس صورت گرفت. براساس اطلاعاتی که اکنون در اختیار آژانس می باشد، نتایج این بررسی ها تا حدود زیادی اظهارات ایران در مورد منشأ خارجی آلودگی های اورانیوم با غنای بالا را تأیید می کند.

برنامه غنی سازی:

همانگونه که در مارس ۲۰۰۵ توسط معاون مدیرکل آژانس در امور پادمان اعلام گردید، از نوامبر ۲۰۰۴ تحولاتی در چهار زمینه در ارتباط با راستی آزمایی برنامه غنی سازی سانتریفیوژ P1 ایران صورت گرفته است:

پیشنهاد سال ۱۹۸۷: در جلسه ۱۲ ژانویه ۲۰۰۵ در تهران، ایران یک دست نویس یک صفحه ای به آژانس نشان داد که در آن پیشنهاد یک واسطه خارجی در سال ۱۹۸۷ شرح داده شده بود. این سند نشان می دهد که این پیشنهاد برای ارائه یک ماشین نمونه (به صورت مجزا) و محاسبات مربوط به احداث تأسیسات کامل برای ۲۰۰۰ سانتریفیوژ بود. ایران اعلام داشت که تنها برخی اقلام که در طرح تشریح شده بود را دریافت کرده است و همه اطلاعات مربوط به آن را به آژانس ارائه کرده است. ایران همچنین اعلام داشت که واسطه پیشنهاد ایجاد یک واحد تبدیل مجدد و تجهیزات لازم

را به ابتکار خود داده است و از آنجا که سازمان انرژی اتمی ایران درخواستی برای دریافت این تجهیزات نکرد، بنابراین تجهیزات پیشنهادی را نیز دریافت ننمود. آژانس مکرراً درخواست کرده است که به اسناد اصلی و تصویر پیشنهاد ارائه شده در سال ۱۹۸۷ دسترسی پیدا کند. اما ایران همچنان بر این موضع است که تنها سند موجود در زمینه پیشنهاد سال ۱۹۸۷ همان سند دست نویس یک صفحه ای است. ایران همچنین اظهارات قبلی خود را مورد تأکید قرار داده است که هیچ واحد تبدیل مجدد دریافت نکرده است، اما موافقت کرده است که به جستجوی خود برای یافتن اسناد تکمیلی اضافه و دیگر اقلامی که در این پیشنهاد مطرح شده است ادامه دهد.

منشأ پیشنهاد اواسط دهه ۱۹۹۰: ایران به اطلاع آژانس رسانده است که هیچ سند کتبی که حاوی پیشنهاد اواسط دهه ۱۹۹۰ باشد، ندارد.

اسناد ارسال محموله ها و دیگر اسناد مربوطه: آژانس از ایران خواست به اسنادی دسترسی پیدا کند که اظهارات ایران را در مورد جزئیات و محتوای محموله ها حاوی برخی تجهیزات مربوط به غنی سازی را تأیید می نماید. در ژانویه ۲۰۰۵، ایران تصویری از این اسناد که مربوط به دریافت چهار محموله بین سال های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ بود، ارائه کرد. آژانس در نامه ای به تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۰۵ از ایران خواست که پوشه اصلی حاوی این اسناد و نیز اسناد تکمیلی در تأیید محتوای این محموله های مربوط به سال ۱۹۹۴ را بررسی کند. در اوت سال ۲۰۰۵، ایران اسناد اصلی بارنامه ها و برگه های ترخیص گمرک مربوط به محموله های ۱۹۹۴/۱۹۹۵ را ارائه نمود. از اسناد حمل و نقل که در ژانویه ۲۰۰۵ به آژانس ارائه گردید، به نظر می رسد که اولین بخش از تجهیزات مربوط به سانتریفیوژهای P1 در ژانویه ۱۹۹۴ ارسال شده است. ایران در نامه خود به تاریخ ۶ آوریل ۲۰۰۵ اعلام داشت که سفر در ماه اوت ۱۹۹۳ انجام شده است. در اوت سال ۲۰۰۵ نتایج بررسی های آژانس اظهارات ایران در مورد دو سفر انجام شده در سال ۱۹۹۳ را تأیید می کرد.

بحث های فنی بین ایران و واسطه ها: آژانس هنوز مایل است اطلاعات تکمیلی در خصوص تماس های انجام شده در فاصله زمانی سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۳ بین ایران و واسطه ها به دست آورد و این نکته را درک کند که چرا اسناد طراحی که در سال ۱۹۹۴ دریافت داشته، شبیه اسنادی است که قبلاً در سال ۱۹۸۷ دریافت داشته بود. درک این مطلب برای تدوین سابقه و تناوب زمانی مربوط به برنامه غنی سازی ایران مهم است، به ویژه این که آژانس باید مطمئن شود که هیچ تحول دیگری در این مقطع صورت نگرفته و ایران طرح غنی سازی، فن آوری یا تجهیزات دیگری را دریافت نکرده است. آژانس همچنین درخواست دریافت اطلاعاتی در مورد تماس های بعدی ایران و واسطه ها (از سال ۱۹۹۴ تا زمان حاضر) را ارائه کرده است. آژانس در تاریخ ۸ ژوئن ۲۰۰۵ نامه ای از ایران دریافت کرد که به غیر از ملاقات ها و بحث هایی که اطلاعات آن قبلاً در اختیار آژانس قرار گرفته است،

هیچ بحث دیگری در مورد غنی سازی سانتریفیوژها میان نمایندگان ایران و واسطه ها صورت نگرفته است.

برنامه p۲: جنبه دیگر بررسی های آژانس، مربوط به اظهارات ایران می شود که هیچ کاری در زمینه طرح p۲ در فاصله زمانی میان سال های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۲ انجام نگرفته است. همانگونه که در نوامبر سال ۲۰۰۴ گزارش گردید، ایران اعلام داشت که هیچ کاری در زمینه طرح p۲ (یا هر نوع طرح دیگری برای سانتریفیوژها به غیر از p۱) قبل از سال ۲۰۰۲ انجام نداده است. ایران اعلام داشت که به خاطر کمبود نیروی انسانی حرفه ای و تغییرات در مدیریت سازمان انرژی اتمی ایران، در آن زمان همه تلاش ها برای رفع مشکلات مربوط به سانتریفیوژ p۱ متمرکز بود.

آزمایشات پلوتونیوم

همانگونه که آژانس در گزارشات قبلی خود به شورای حکام اعلام داشته بود، آژانس از ایران خواسته بود که تاریخ شروع آزمایشات خود بر روی جداسازی پلوتونیوم را اعلام نماید و ایران ابتدائاً اعلام داشت که این آزمایشات در سال ۱۹۸۸ آغاز شده و در سال ۱۹۹۳ تکمیل گردید. ایران همچنین اعلام داشت که از آن زمان به بعد هیچ آزمایش جداسازی پلوتونیوم صورت نداده است. نتایج بررسی های به عمل آمده از نمونه برداری های سپتامبر ۲۰۰۴ مربوط به محلول های پلوتونیوم، یافته های اولیه آژانس را تأیید می کند که زمان تهیه محلول های پلوتونیوم قدیمی تر از زمان اعلام شده ۱۲ الی ۱۶ سال می باشد و این نشان می دهد که پلوتونیوم احتمالاً بعد از ۱۹۹۳ جداسازی شده است. ایران طی نامه ۱۷ ژوئن ۲۰۰۵ مجدداً تأکید کرد که طرح تحقیق در سال ۱۹۹۳ پایان یافته و هیچ نمونه دیگری به راکتور تحقیقاتی جهت تولید (پلوتونیوم) و جداسازی آن ارسال نشده است. آژانس در همکاری با ایران توانست راستی آزمایشی های مفصلی را از ۱ الی ۹ اوت ۲۰۰۵ در زمینه اهداف تشعشعات UO₂ پردازش نشده که در چهار ظرف ذخیره شده بود، به عمل آورد. ارزیابی اولیه، اطلاعات به دست آمده و اندازه گیری های انجام شده در این راستی آزمایشی ظاهراً اظهارات ایران را در مورد میزان اورانیوم موجود در این ظرف ها تأیید می کند.

استخراج اورانیوم از معدن (گچین) و فشرده سازی آن:

همانگونه که در اظهارات معاون مدیرکل در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۵ در شورای حکام گفته شد، هرچند که هیچ ادله ای در زمینه فعالیت های اظهارنشده برای استخراج اورانیوم از معدن و آسیاب آن در گچین به دست نیامده است، آژانس درصدد است تا درک بهتری از ترتیبات پیچیده ای که در مدیریت گذشته و کنونی معدن گچین وجود دارد، به دست آورد. به ویژه، آژانس مایل است بررسی بیشتری به عمل آورد که چگونه پروژه مربوط به پردازش سنگ معدن اورانیوم به یک

شرکت تازه تأسیس واگذار شده است. آژانس، به ویژه به مقطع زمانی سال ۲۰۰۰ و اواسط ۲۰۰۱ توجه دارد. ایران در آوریل ۲۰۰۵ در پاسخ به درخواست آژانس، رونوشتی از قرارداد منعقد شده در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۰۰ و ترجمه شفاهی آن را ارائه کرد. همچنین آژانس در جریان مجموعه‌ای از طراحی‌های (نقشه‌ها) منتج به ساخت توسط کارخانه مهندسی وابسته به سازمان انرژی اتمی ایران و نیز تعدادی از دیگر مدارک و نقشه‌ها قرار گرفت. آژانس در خلال دیداری از ایران در تاریخ ۱۳ تا ۱۸ اوت ۲۰۰۵، خواستار دیدار و ملاقات با فرد متصدی پیشین پروژه گچین و همچنین نماینده مسئول فعلی سازمان انرژی اتمی ایران در پروژه مزبور شد. آژانس فقط موفق شد با نماینده که مسئولیت این پروژه را در ۲۰۰۲ برعهده داشت، ملاقات کند. در طی نشست، پرونده‌های حاوی طراحی‌ها و اسناد مربوط به فعالیت‌های فراوری معدن سنگ گچین به آژانس ارائه شد. اکثریت پرونده‌ها مدارکی بودند که در آوریل ۲۰۰۵ توسط آژانس رؤیت شده و شامل نقشه‌های منتج به ساخت بودند.

سائر مسائل اجرایی:

همانگونه که در گزارش نوامبر ۲۰۰۴ مدیرکل تشریح شد، ایران آزمایشگاه تولید سوخت را در سال ۱۹۸۵ در اصفهان عملیاتی ساخت (هم اکنون نیز مشغول به کار است). در مورد این آزمایشگاه به آژانس در سال ۱۹۹۳ اطلاع داده شد و اطلاعات مربوط به طراحی آن در ۱۹۹۸ ارائه گردید. ایران همچنین در حال ساخت تأسیسات تولید زیرکونیوم در اصفهان می‌باشد. ساخت این تأسیسات که انتظار می‌رود تا ۲۰۰۷ به انجام رسد، در سال ۲۰۰۴ آغاز شد. در حال حاضر، اقدامات جدید دیگری در خصوص فعالیت‌های ایران گزارش نشده است. نسبت به تمامی فعالیت‌های جدید صورت گرفته در این خصوص، براساس عملیات پادمانی عادی عمل خواهد شد. ایران در حال ساخت یک رآکتور تحقیقاتی آب سنگین موسوم به IR۴۰ در اراک (برنامه ریزی شده که تا سال ۲۰۱۴ اجرایی شود) و یک کارگاه تولید آب سنگین در اراک است. در مارس ۲۰۰۵، بازرسان آژانس سایت اراک را به منظور انجام راستی‌آزمایی پیرامون اطلاعات طراحی آن مورد بازدید قرار دادند و متوجه شدند که ساخت ساختمان IR۴۰ آغاز شده است. بازدید مارس ۲۰۰۵ همچنین شامل دسترسی تکمیلی به کارخانه تولید آب سنگین بود که اخیراً شروع شده است. آژانس به نظارت بر برنامه رآکتور آب سنگین ایران به عنوان یک موضوع اجرای عادی پادمان ادامه می‌دهد. فعالیت‌های ایران پیرامون استخراج پلونیوم و یافته‌های آژانس در این رابطه، در گزارش نوامبر ۲۰۰۴ بحث شد. همانطور که در آن گزارش نشان داده شد، از آنجا که پلونیوم ۲۱۰ می‌تواند نه تنها در موارد غیر نظامی بلکه همچنین با حضور برلیوم می‌تواند برای مقاصد نظامی به کار رود

(خصوصاً به عنوان چشمه نوترونی در برخی طرح های تسلیحات هسته ای)، این موضوع مورد علاقه آژانس است. هیچ تحول تازه ای در رابطه با آزمایش های جداسازی پلونیوم جهت گزارش دهی وجود ندارد.

همکاری در اجرای موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی:

پروتکل الحاقی در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ به امضاء رسید. طبق نظر ایران، برای اجرایی شدن پروتکل الحاقی تصویب آن ضروری است که هنوز به انجام نرسیده است. با این همه، همان طور که در نامه ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳ به آژانس پذیرفته شده است، ایران همچنان به اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی به گونه ای که تصویب شده است، ادامه می دهد. همانطور که در گزارش نوامبر ۲۰۰۴ مدیرکل اشاره شده است، از دسامبر ۲۰۰۳ ایران تحت موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی دسترسی به موقع آژانس به تأسیسات و مواد هسته ای و دیگر مکان ها در کشور را تسهیل کرده است و به آژانس اجازه نمونه برداری محیطی مطابق درخواست آژانس را داده است.

ج) بازدیدهای شفاف سازی و بحث ها

ایران از اکتبر ۲۰۰۳ به درخواست آژانس و به عنوان یک اقدام شفاف ساز، دسترسی به برخی اطلاعات اضافی و مکان ها فراتر از آن چه که طبق موافقت نامه پادمان پروتکل الحاقی از آن خواسته شد، فراهم کرده است. در ارتباط با انهدام تأسیسات لویزان - شیان در اوت ۲۰۰۵، ایران توضیحات بیشتر و اسناد اضافی را در اثبات اظهاراتش مبنی بر این که این تأسیسات در بازگرداندن آن به شهرداری تهران در ارتباط با یک اختلاف میان شهرداری و وزارت دفاع تخریب شد، ارائه نمود. ایران بیشتر توضیح داد که تخریب این تأسیسات توسط شهرداری انجام شده است و عملیات تخریب در دسامبر ۲۰۰۳ شروع شد و طی ۲ یا ۳ ماه به اتمام رسید. اطلاعات ارائه شده توسط ایران به نظر می رسد که منطبق با توضیحاتش درباره تخریب تأسیسات لویزان - شیان باشد.

همان طور که توسط معاون مدیرکل در امور پادمان در بیانیه ۱ مارس ۲۰۰۵ به شورا توضیح داده شده است، ایران در ژانویه ۲۰۰۵ به عنوان اقدامی شفاف ساز پذیرفت تا به آژانس اجازه دهد که از تأسیسات واقع در پارچین برای ارائه اطمینان از این که هیچ مواد یا فعالیت هسته ای غیرقانونی در این تأسیسات وجود ندارد، بازدید نماید. به غیر از چهار حوزه ای که توسط آژانس به عنوان علاقه بالقوه شناسایی شدند، آژانس اجازه یافت تا هر مکانی را که می خواهد انتخاب نماید. از آژانس درخواست شد تا شمار ساختمان هایی را که قرار است در آن مکان مورد بازدید قرار دهد به

حداقل برساند و پنج ساختمان را انتخاب کرد. به آژانس دسترسی آزاد به آن ساختمان ها و اطراف آن ها داده شد و اجازه یافت تا نمونه برداری های محیطی انجام دهد که نتیجه آن ها گواه بر وجود مواد هسته ای نبودند و آژانس هیچ گونه تجهیزات و مواد با کاربرد دوگانه در آن مکان ها نیافت. طی آن دیدار، آژانس درخواست نمود تا از مکان دیگری در تأسیسات پارچین دیدن نماید.

از اکتبر ۲۰۰۳ تاکنون، پیشرفت خوبی در اصلاح آن قصورها از سوی ایران صورت گرفته و همچنین پیشرفت خوبی در توانایی آژانس برای تأیید جنبه های خاصی از اظهارنامه های کنونی ایران حاصل شده است که به عنوان یک موضوع عادی اجرای پادمان (به ویژه در ارتباط با فعالیت های تبدیل، غنی سازی لیزر و برنامه راکتور تحقیقاتی آب سنگین) پیگیری خواهد شد.

دو موضوع مهم در گزارش نوامبر ۲۰۰۴ مدیرکل شناسایی شدند که مربوط به تلاش های آژانس برای اطمینان یابی از این موضوع می باشد که در ایران هیچ گونه فعالیت غنی سازی اظهارنشده وجود ندارد: منشأ اورانیوم با غنای پائین و آلودگی ذرات اورانیوم با غنای بالا که در مکان های مختلف در ایران پیدا شده است و میزان تلاش های ایران برای واردات، تولید و استفاده از طرح های سانتریفیوژهای P1 و P2. درخصوص موضوع اول یعنی آلودگی، براساس اطلاعاتی که درحال حاضر در اختیار آژانس است، نتایج اطلاعات نمونه گیری محیطی در مجموع اظهارات ایران درباره منشأ خارجی اکثر آلودگی مشاهده شده در ذرات اورانیوم با غنای بالا را تأیید می کند. با این همه، درحال حاضر ممکن نیست که به نتیجه ای قطعی درمورد تمامی آلودگی ها به خصوص آلودگی اورانیوم با غنای پائین رسید. این موضوع، اهمیت کار بیشتر درباره دامنه و تاریخچه برنامه های سانتریفیوژ P1 و P2 را نشان می دهد که می تواند در حل و فصل مسائل آلودگی باقی مانده بسیار مفید باشد. در ارتباط با موضوع دوم یعنی برنامه های سانتریفیوژ P1 و P2، از نوامبر ۲۰۰۴ تاکنون پیشرفت هایی در راستی آزمایی اظهارات ایران در ارتباط با تاریخچه برنامه سانتریفیوژ غنی سازی حاصل شده است. با این وجود، آژانس هنوز نتوانسته است صحت و کامل بودن اظهارات ایران را در ارتباط با آن برنامه ها تأیید نماید. درحالی که ایران توضیحات بیشتر و دستیابی به اسناد اضافی در ارتباط با پیشنهادهای ۱۹۸۷ و اواسط دهه ۱۹۹۰ مربوط به طرح P1 را ارائه داده است، تحقیقات آژانس از شبکه تأمین کننده گواه بر این است که ایران بایستی اطلاعات تکمیلی بیشتری داشته باشد که می تواند در این رابطه مفید باشد. ایران موافقت نموده است که در جهت ارائه اطلاعات و اسناد تکمیلی تلاش نماید. از ایران همچنین خواسته شده است تا توضیحات بیشتری درباره روندی که منجر به تصمیم ایران در سال ۱۹۸۵ برای تعقیب غنی سازی سانتریفیوژ گازی و گام هایی که منجر به دستیابی این کشور به فناوری غنی سازی سانتریفیوژ در ۱۹۸۷ شد، ارائه دهد. از ایران خواسته شده است تا اطلاعات بیشتر همراه با هرگونه

سند تکمیلی درباره برنامه P۲ به خصوص در ارتباط با گستره پیشنهاد اصلی مربوط به طرح P۲ و دستیابی ایران به اقلام مربوط به آن برنامه را ارائه دهد.

آژانس هنوز در حال ارزیابی دیگر جنبه های برنامه گذشته هسته ای ایران شامل اظهاریه های ارائه شده توسط آن کشور درباره تحقیقات پلوتونیوم به ویژه در ارتباط با زمانی که آن ها انجام شده اند، فعالیت های ایران در گچین و فعالیت های ایران در ارتباط با پلوتونیوم می باشد. آژانس همچنان به پیگیری گزارش های مربوط به برنامه هسته ای ایران و فعالیت هایی که می تواند مربوط به آن برنامه باشد، ادامه می دهد. ایران به آژانس به عنوان اقدامی شفاف ساز اجازه داده است تا از شماری از تأسیسات نظامی مربوطه در کلاهدوز، لویزان و پارچین دیدن نماید. در حالی که آژانس هیچ فعالیت مربوط به هسته ای در کلاهدوز نیافته است، هنوز در حال ارزیابی اطلاعات مربوط به سایت لویزان می باشد. آژانس همچنین منتظر دریافت اجازه دیدار دوباره از سایت پارچین می باشد.

همانطور که در گزارش نوامبر ۲۰۰۴ به شورا نشان داده شد، تمامی مواد هسته ای اظهار شده در ایران مورد حسابرسی قرار گرفته اند و از این رو، این مواد به سوی فعالیت های ممنوعه منحرف نشده اند. با این وجود، آژانس هنوز در موقعیتی نیست که نتیجه گیری نماید در ایران هیچ مواد یا فعالیت هسته ای اظهار نشده وجود ندارد. روند نیل به چنین نتیجه ای بعد از این که پروتکل الحاقی به مورد اجراء گذاشته شود، در شرایط طبیعی امری زمان بر است.

(د) تعلیق

متعاقب قطعنامه شورا در تاریخ ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴ و قطعنامه های پیش از آن، آژانس به فعالیت هایش برای راستی آزمایی و نظارت بر تمامی عوامل تعلیق داوطلبانه ایران نسبت به تمامی فعالیت های بازفراوری و مرتبط با غنی سازی ادامه می دهد. در اول اوت ۲۰۰۵، ایران تصمیم خود را برای ازسرگیری فعالیت های تبدیل در UCF به اطلاع آژانس رساند. آژانس تجهیزات بازرسی اضافی را در UCF در فاصله بین ۸ و ۱۰ اوت ۲۰۰۵ مستقر نمود.

۲. بیانیه جمهوری اسلامی در شورای حکام^۱

در ابتداء مایلم از دکتر البرداعی به خاطر گزارش تشکر کنم. همچنین باید از گروه نم به خاطر همکاری و حسن تفاهم تشکر نمایم.

با بررسی جوانب فنی و حقوقی برنامه هسته ای صلح آمیز ایران، به راحتی می توان به این نتیجه رسید که جامعه بین الملل تا حد زیادی به واسطه موضع گیری های یک سویه مغرضانه سیاسی و مبالغه آمیز برخی کشورها گمراه شده است. مسئله هسته ای ایران که باید با یک روش کاملاً فنی و درچارچوب آژانس مورد بررسی قرار گیرد، سیاسی شده است. مشارکت مالی برخی کشورها نمی تواند مبنایی برای ایجاد اتهامات نادرست علیه کشورهای عضو قرار گیرد. عبارت پنهان کاری، عبارتی نادرست و گمراه کننده است. عدم ارائه گزارش فعالیت هایی همچون ساخت تأسیسات هسته ای که ایران به موجب موافقت نامه جامع پادمان ایران می بایست در فاصله زمانی تنها ۱۸۰ روز قبل از تزریق مواد هسته ای طراحی اولیه آن را در اختیار آژانس قرار می داد، پنهان کاری محسوب نمی شود. باید یادآوری کرد که به هنگام آغاز برخی از فعالیت ها و طراحی و ساخت تأسیسات، پروتکل الحاقی حتی وجود نداشت. این شرط، شامل تأسیساتی از قبیل کارخانه غنی سازی در نطنز و کارخانه تبدیل اورانیوم (یو.سی.اف) می شد که آژانس حتی ۴ سال قبل از آن که ایران ملزم به آن کار شود، از آن ها خبر داشت. واقعیت دیگر اینست که آژانس به لحاظ حقوقی در موقعیتی نیست که بتواند پیرامون قصد و نیت کشورهای عضو قضاوت کند. از این رو، استفاده از عبارت پنهان کاری محلی از اعراب ندارد.

مایلم به اطلاع برسانم که برطبق پادمان جامع، اورانیوم کنسانتره موسوم به کیک زرد به جز در مواردی که باید واردات و صادرات آن طبق بند ۳۴ (الف) و (ب) موافقت نامه پادمان اطلاع رسانی شود، دیگر مشمول آیین نامه مربوط به پادمان نیست. ایران ۵۳۰ تن از این ماده را وارد کرده و مراتب را عیناً به آژانس گزارش نموده است. با وجود این که چنان موادی از قبل زیر نظارت پادمان قرار گرفته، اما چنان موادی به هر حال در سال ۱۹۹۸ کاملاً مورد راستی آزمایشی آژانس قرار گرفته و صحت آن به تأیید رسیده است. طراحی اولیه تأسیسات تبدیل اورانیوم (یو.سی.اف) اصفهان نیز در سال ۲۰۰۰ یعنی زودتر از زمانی که الزامی بود، به آژانس اظهار گردید. ایران طی ۲۶ سال گذشته تنها ۵۷ کیلوگرم از این مواد را در مقیاس های تحقیقاتی در چندین آزمایشگاه مورد استفاده قرار داده که برخی از موارد آن، مربوط به پایان نامه های دانشجویی بوده است. در چندین مورد، نتایج چنان آزمایش هایی منتشر گردیده و در کنفرانس های بین المللی ارائه شده و حتی در تقاضانامه های بورسیه آژانس منعکس گردیده است.

^۱ این بیانیه توسط مهدی آخوندزاده، سفیر و نماینده جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان های بین المللی در وین قرائت شده است.

در نتیجه اقدامات اصلاحی و سایر فعالیت های ایران، آژانس تا نوامبر ۲۰۰۴ قادر به تأیید جنبه های مشخصی از اظهاریه های ایران (در ارتباط با فعالیت های تبدیل اورانیوم و غنی سازی لیزر) گردید که همان گونه که برای شورای حکام عنوان گردید، به عنوان فعالیت های روزمره و عادی در قالب اجرای پادمان به موجب موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی ادامه پیدا خواهد کرد.

در ارتباط با موضوع مطرح شده در بیانیه اتحادیه اروپا در مورد معدن گچین باید خاطر نشان ساخت که با وجود عدم الزام ایران به اطلاع رسانی پیرامون معادن اورانیوم به موجب پادمان جامع (INF/CIRC/214)، اما ایران اطلاعات گسترده ای پیرامون معدن گچین ارائه نموده که شرح آن در کتابی از آژانس تحت عنوان "منابع اورانیوم، تولید و تقاضاها، موسوم به کتاب قرمز منتشر گردیده است. در این ارتباط، براساس پروتکل الحاقی ایران ضمن اظهارنامه ای حاوی اطلاعات مربوط به محل وضعیت عملیات و ظرفیت تخمینی استحصال سالانه اورانیوم از معادن، اطلاعات لازم را در اختیار آژانس قرار خواهد داد. از این رو، عجیب و غریب می نماید که بینیم اتحادیه اروپا موضوع کوچکی چون نامعلوم بودن نام یک تکنسیسن که نقشه مربوط به فرایند آسیاب کردن اوره را به عنوان دلیلی برای ضرورت اعلام موضوع ایران به شورای امنیت مورد اشاره و تأکید قرار می دهد.

با توجه به بیانیه اتحادیه اروپا، عبارت "کل تعداد موارد پردازش نشده پرتو دهی شده کیک زرد که در کانتینرها ذخیره شده، ظاهراً بسیار بالاتر از تعداد اظهار شده آن است" گمراه کننده می باشد، زیرا آژانس از این واقعیت باخبر بوده که منظور و مقصود میزان کل مواد بوده و تعداد کانتینرها مدنظر نبوده است. آژانس به خوبی اطلاع دارد که مسئله مورد نظر، میزان و مقدار مواد هسته ای پرتو دهی شده است که با مقدار اظهار شده هم خوانی دارد نه کانتینرها که باید به عنوان زباله و پسماند دفع شوند!

در ارتباط با اظهارنامه در مورد پلوتونیوم، به نظر می رسد که اروپا این واقعیت را مورد شناسایی قرار نداده که پلوتونیوم یک ماده هسته ای نبوده و هرگونه فعالیت در ارتباط با تولید یا استفاده از آن به موجب پادمان جامع و حتی پروتکل الحاقی قابل گزارش دهی نیست. ایران در قالب روح همکاری، اطلاعاتی را پیرامون یک پروژه تحقیقاتی که یک دهه پیش پایان یافته به آژانس ارائه نموده است. استرالیا در مورد بند ۴۹ گزارش مدیرکل قضاوتی نابجا کرده و گفته است که در فعالیت های ایران احتمال گرایش به سمت تسلیحات وجود دارد. درخواست مطرح شده در بند ۴۹ گزارش مدیرکل، یک توصیه کلی و در مورد تمام کشورهای عضو از جمله خود استرالیا است. توسل به اظهارات نادرست نماینده استرالیا در مورد این بخش از گزارش، مایه تأسف است.

مدیرکل به آژانس اطلاع داد که از اکتبر ۲۰۰۳، همکاری ایران به نحو تقدیر آمیزی بهبود یافته است. اقدامات عمده ایران، به شرح زیر مبنای این ارزیابی است:

- اجرای داوطلبانه و موقت پروتکل الحاقی توسط ایران همانند این که آن را به تصویب رسانده است.
 - اعطای دسترسی تکمیلی (بیش از ۲۰ مورد) بر طبق پروتکل الحاقی در بسیاری از موارد با ۲ یا کمتر از ۲ ساعت اطلاع قبلی.
 - ارائه اطلاعات جزئی کامل در مورد گاه شمار فعالیت ها، تحقیقات هسته ای، گزارش پیشرفت در مورد فعالیت های غنی سازی، تبدیل اورانیوم، جداسازی پلوتونیوم، معدن و آسیاب کردن، راکتور تحقیقاتی، تولید آب سنگین.
 - تدارک دسترسی به پایگاه های نظامی از قبیل کلاهدوز، لویزان - شیان و پارچین پس از اتهامات یک کشور خاص و اتهامات گروه تروریستی اپوزیسیون و حمایت این کشور خاص از این اتهامات. نتایج، هیچ نشانه ای از به کار رفتن مواد هسته ای در این فعالیت ها نشان نداد و بازرسان آژانس هیچ تجهیزات یا ماده ای را با کاربرد دوگانه مشاهده نکردند. از این رو، اثبات شد که چنان اتهاماتی بی پایه است.
 - در ژانویه ۲۰۰۵، دسترسی آزاد به یک سایت نظامی اعطاء شد. نمونه های محیطی اخذ شدند. سپس مدیرکل نتایج را گزارش نمود.
 - ارائه بیش از ۱۰۰ صفحه اظهارنامه مقدماتی طبق پروتکل الحاقی در ۲۱ می ۲۰۰۴ و متعاقباً روزآمد ساختن این اظهاریه ها که همگی به تأیید آژانس رسیده است.
 - نهایتاً باید در اسناد ثبت کرد که ایران دسترس نامحدود را در جریان بیش از ۱۳۰۰ نفر روز بازرسی از سال ۲۰۰۳ تاکنون اعطاء کرده که در تاریخ آژانس، امری بی سابقه است.
- همانگونه که در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۵ توسط آقای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران اعلام گردید، ایران آماده است به عنوان یک اقدام اعتمادساز در زمینه اجرای چرخه سوخت وارد مشارکت جدی با بخش های دولتی و خصوصی کشورهای دیگر شود. این فرایند، در بردارنده شفافیت کامل بوده و مبنای محکمی را برای یافتن بهترین راه حل برای این بن بست ناخواسته ایجاد می کند. تعامل و همکاری های فنی و حقوقی با آژانس، مرکز ثقل سیاست هسته ای ایران است. آغاز و ادامه مذاکرات با دیگر کشورها در چارچوب تعامل ایران با آژانس انجام خواهد شد.
- اینجانب با آگاهی از این که برخی نگرانی ها در مورد از سرگیری فعالیت تبدیل اورانیوم و ضرورت نشان دادن ماهیت صلح آمیز فعالیت ها پدید آمده است، مایلم بار دیگر اعلام کنم همانگونه که در گزارش مدیرکل قید گردیده، تمام فعالیت ها در مرکز یوسی.اف اصفهان تحت نظارت کامل و

دقیق آژانس بوده و تولیدات این مرکز تحت لاک و مهر آژانس قرار دارد. به علاوه، ایران مایل است آقای دکتر البرادعی را برای سفر به تهران دعوت نماید. در جریان این سفر، ایران مسائل باقی مانده با آژانس و نحوه ارتقای همکاری با آن را با هدف قادر ساختن آژانس به ارائه تضمین ها در خصوص ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای ایران، مورد بحث و بررسی قرار خواهد داد. در این ارتباط، پیشنهادات متعددی ارائه شده که در چارچوب مذاکرات قابل بررسی هستند. تنها راه اجتناب از تقابل، توسل به مذاکرات همراه با حسن نیت کامل و فارغ از هرگونه فشار و تهدید است. ما برای چنان مذاکراتی کاملاً آمادگی داریم. در مجموع این که کل این فرایند نیاز به زمان دارد. تعجیل در این جا ممکن است نتایج بدی به همراه داشته باشد. بیائید تهدیدها را بایگانی کنیم و رو به مذاکره آوریم و به خودمان زمان بدهیم تا این موضوع به طور مسالمت آمیز حل و فصل شود.

۳. بیانیه عدم تعهد در شورای حکام

۱. در ارتباط با موضوع اجرای پادمان ان.پی.تی در جمهوری اسلامی ایران، نم حق اساسی و لاینفک تمام کشورهای عضو را برای توسعه انرژی اتمی در مقاصد صلح آمیز قویاً مورد تأکید قرار می دهد.
۲. نم ضمن حمایت کامل از تلاش های معطوف به عدم اشاعه سلاح های کشتار جمعی، بر موضوع اصولی خود پافشاری می کند که موضوع عدم اشاعه و استفاده صلح آمیز از فناوری هسته ای باید در یک روش متوازن و غیر تبعیض آمیز مورد بررسی قرار گیرد.
۳. نم مایل است تأکید نماید که تمایز شفاف بین تعهدات حقوقی کشورهای عضو در قبال موافقت نامه های پادمانی مربوطه و تعهدات داوطلبانه شان، یک اصل بنیادین است. در این ارتباط، لازم است اطمینان حاصل شود که تعهدات داوطلبانه کشورهای عضو به تعهدات حقوقی پادمانی مبدل نخواهد شد. نم اعتقاد دارد کشورهای عضو نباید به خاطر عدم پایبندی به تعهدات داوطلبانه شان مجازات شوند.
۴. نم یادآوری می نماید که تعلیق فعالیت های غنی سازی و بارفرآوری ایران یک اقدام اعتمادساز کاملاً داوطلبانه و غیرالزام آور بوده و نباید به هیچ روی به معنای محرومیت یا تحدید حق لاینفک کشورهای عضو برای توسعه انرژی اتمی در مقاصد صلح آمیز تفسیر و تلقی شود.
۵. نم معتقد است که تمام مسائل پیچیده باید از طریق گفتگو و با ابزار مسالمت آمیز حل و فصل شوند. نم استمرار گفتگو و همکاری بین سه کشور اروپایی / اتحادیه اروپا و ایران را برای ارتقاء اعتماد دوجانبه با هدف تسهیل کار آژانس در مورد برنامه هسته ای ایران ترغیب می نماید. نم در تقویت فضای همکاری به منظور یافتن یک راه حل مرضی الطرفین برای این مسئله، تمام ابتکارات از جمله ابتکار آفریقایی جنوبی را ارج می نهد.
۶. با شناسایی آژانس به عنوان مرجع دارای صلاحیت برای راستی آزمایی، نم اعتماد کامل خود را به کار حرفه ای و بی طرفی آژانس تحت مدیریت آقای دکتر البرداعی ابراز می دارد. در این ارتباط، نم قویاً معتقد است که تمام موارد مربوط به پادمان و راستی آزمایی از جمله موارد مربوط به ایران باید در چارچوب آژانس و براساس جنبه های فنی حل و فصل شود.

۷. نم با تکیه بر این گزارش، خرسند است که تمام مواد هسته ای اظهارشده ایران مورد حسابرسی قرار گرفته و این که چنان موادی به سمت فعالیت های ممنوعه انحراف پیدا نکرده است. نم اطلاع دارد که اقدامات اصلاحی انجام شده از سوی ایران، هیچ قصور جدیدی را نشان نمی دهد و راستی آزمایی صحیح بودن و کامل بودن اظهارنامه های مربوط درحال انجام است. در این زمینه، نم ایران را به استمرار همکاری های فعالانه با آژانس برای حل و فصل موارد باقی مانده ترغیب می نماید.
۸. نم توجه دارد که از اکتبر ۲۰۰۳ تاکنون، پیشرفت های خوبی در زمینه اصلاح قصورات گزارش شده و همچنین توانایی آژانس در تأیید جنبه های مختلف اظهاریه کنونی ایران حاصل شده است. نم خرسند است توجه نماید که آژانس همچنان به پیشرفت مداوم در زمینه درک برنامه هسته ای ایران ادامه می دهد. در این ارتباط، نم توجه دارد که تحقیقات به نقطه ای رسیده است که با توجه به دو جنبه پیش تر عنوان شده (فعالیت های غنی سازی لیزر و آزمایشات تبدیل اورانیوم اظهارشده توسط ایران)، پیگیری های بیشتر درچارچوب معمول اجرای پادمان صورت خواهد گرفت (بند ۴۳).
۹. نم همچنین توجه می نماید که ایران از اکتبر سال ۲۰۰۳ براساس درخواست آژانس و به عنوان یک اقدام شفاف ساز، امکان دسترسی به برخی اطلاعات خاص اضافی و اماکن مربوطه را فراتر از حد لزوم و به موجب موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی برای آژانس فراهم نموده است.
۱۰. در ارتباط با دو موضوع باقی مانده که در گزارش مدیرکل مورد اشاره قرار گرفته، نم توجه دارد که درخصوص موضوع اول یعنی آلودگی پیشرفت قابل توجهی در زمینه حصول اطمینان از منشأ آلودگی اورانیوم یافت شده در اماکن مختلف ایران حاصل شده است. نم همچنین توجه دارد که یافته های آژانس با اظهارات ایران درمورد منشأ خارجی اورانیوم با غنای بالا که مشاهده شده، سازگاری دارد.
۱۱. درخصوص موضوع دوم یعنی برنامه غنی سازی سانتریفیوژ گازی و میزان تلاش های ایران برای واردکردن ساخت و استفاده از طراحی سانتریفیوژهای p1 و p2، نم خرسند است که درک بهتری از تلاش های ایران درمورد طراحی های این دو سانتریفیوژ به دست آمده است. نم همچنین توجه می نماید که تلاش ها برای روشن شدن بیشتر این مسئله همچنان درحال انجام است.

۱۲. آژانس قادر به راستی آزمایی تعلیق فعالیت های مربوط به غنی سازی ایران در تأسیسات و سایت های خاصی بوده است و نم توجه می نماید که آژانس توانسته است تأیید نماید که UF₆ تولید شده در مرکز یو.سی.اف، همچنان در لاک و مهر قرار دارد (بند ۵۹).
۱۳. از این رو، در مجموع نم توجه می نماید که پیشرفت قابل توجهی در زمینه حل و فصل مسائل باقی مانده ایران حاصل شده و خوش بین است که سؤالات باقی مانده با همکاری فعالان ایران با آژانس، حل و فصل خواهد شد.
۱۴. نم ضمن توجه به این که اقتدار حقوقی آژانس برای تعقیب راستی آزمایی هرگونه فعالیت محتمل در زمینه سلاح های هسته ای محدود است (بند ۴۹)، بر این نظر است که هرگونه درخواست برای افزایش حوزه اقتدار حقوقی آژانس در این زمینه باید توسط کشورهای عضو به بحث و مذاکره گذاشته شود. در این ارتباط، نم بار دیگر بر اهمیت ارتقاء و تقویت فرایند چندجانبه تأکید می نماید.

۴. توضیحات کتبی جمهوری اسلامی ایران در مورد گزارش مدیرکل آژانس^۱

نظرات عمومی

اینکه از مدیرکل خواسته شود که یک گزارش جامع برای هر اجلاس شورای حکام ارائه دهد و گزارشات جدید کاملاً تکرار گزارش های قبلی درخصوص فعالیت های ایران در ۲۶ سال گذشته باشد، نه تنها فشار سنگینی بر دبیرخانه تحمیل می کند بلکه کشورهای عضو و جامعه بین المللی نیز سردرگم می شوند. بنابراین، از آژانس انتظار می رود که به طور منطقی و با روشی کارآمد، تنها تحولات جدید را به هر اجلاس گزارش کند و در مورد موضوعاتی که در گذشته مطرح بود و برخی از آن ها در سال گذشته حل و فصل شده است صرف اشاره به گزارش های قبلی کفایت می کند تا خواننده اشتباهاً این گونه تلقی نکند که موضوع جدیدی اتفاق افتاده است. همه گزارش های قبلی در پایگاه اینترنتی آژانس موجود می باشد و نیازی نیست که دبیرخانه وقت و بودجه هنگفتی را از بودجه عادی کشورهای عضو برای تهیه و ارائه این گونه مطالب تکراری صرف کند.

گزارش هایی که به شورای حکام ارائه می شود، بایستی موجز باشد و به موضوعات عمده پردازد و کشورهای عضو را از آخرین تحولات مطلع نماید و اقدامات آتی را که قرار است از سوی دبیرخانه صورت گیرد، برشمارد. لازم به ذکر می باشد که نبایستی در این قضیه مدیرکل را مقصر دانست، چرا که ایشان موظف است آنچه را که از سوی کشورهای عضو از جمله شورای حکام از وی خواسته شده است، انجام دهد. در این جا هدف این نیست که به جزئیات گزارش مدیرکل پرداخته شود و ذیلاً تنها به مواردی که بیشترین سردرگمی را به وجود آورده است، ذکر می گردد:

استخراج سنگ اورانیوم و کنسانتره کردن آن (بند های ۳۱-۲۸)

در ابتدا بایستی به این نکته توجه شود که گرچه ایران طبق موافقت نامه جامع پادمان (infcirc/۲۱۴) تعهدی برای مطلع کردن آژانس از معادن اورانیوم ندارد، اما در طول ۲۵ سال گذشته اطلاعات جامعی را در مورد معادن اورانیوم از جمله معدن گچین در بندرعباس ارائه داده است که در کتاب منتشر شده از سوی آژانس با عنوان "منابع اورانیوم، تولید و تقاضا"، معروف به کتاب قرمز منتشر شده است.

^۱ INFCIRC/۶۵۷, ۱۵ Sep ۲۰۰۷.

در جریان بازدید رئیس بخش عملیات B آژانس از معدن اورانیوم و کارخانه کنسانتره در بندرعباس، رئیس تیم همراه ملی به ایشان یادآور شد که بعد از این که ایران تصمیم گرفت داوطلبانه پروتکل الحاقی را قبل از تصویب آن در مجلس اجراء نماید، ایران اظهارنامه های مربوطه را تکمیل کرده که قبلاً به آژانس تسلیم شده است. طبق بند الف (قسمت ۵) ماده ۲ پروتکل الحاقی، ایران بایستی اظهارنامه ای را حاوی اطلاعات درخصوص مکان، وضعیت عملیاتی و برآورد ظرفیت سالانه تولید از معدن اورانیوم و کارخانجات کنسانتره اورانیوم و کارخانجات کنسانتره توریوم و نیز تولید سالانه فعلی این معدن و کارخانجات کنسانتره در ایران ارائه نماید. ایران طبق درخواست آژانس بایستی تولید جاری سالانه هریک از معدن و کارخانه کنسانتره را ارائه دهد. محتوای این اطلاعات شامل حسابرسی تفصیلی از مواد هسته ای نمی شود.

رئیس بخش عملیات B اداره پادمان آژانس از ایران خواست که درچارچوب روحیه همکاری و شفافیت، اطلاعات ذیل را به آژانس ارائه دهد:

- نقشه های طراحی؛
 - دانش فنی استخراج اورانیوم که از سوی سازمان انرژی اتمی ایران در اختیار شرکت کیمیا معدن قرار گرفته است؛
 - قرارداد میان سازمان انرژی اتمی ایران و شرکت کیمیا معدن.
- با این درک که این همکاری به صورت شفاف صورت می گیرد و این تصور که این اطلاعات تنها اطلاعات تکمیلی مورد نیاز آژانس می باشد، ایران اطلاعات درخواست شده را همراه با اسناد حجیم آن ارائه نمود. اما متعاقب آن، آژانس بار دیگر اطلاعات بیشتری را درمورد اسناد اصلی زیر خواستار شد:

- قرارداد میان سازمان انرژی اتمی ایران و کیمیا معدن برای پروژه معدن گچین؛
- مهندسی طراحی اولین الی آخرین نسخه ها (که برای ساخت و ساز مورد تصویب قرار گرفت) برای احداث ساختمان های اداری و ساختمان فراوری شیمیایی و ساختمان های فراوری سنگ معدن اورانیوم؛
- مهندسی طراحی، اولین الی آخرین نسخه ها (که برای ساخت و ساز تصویب شد) برای اقلام عمده در تجهیز روند فراوری شیمیایی مثل مخازن شستشو برای تصفیه، ستون استخراج، تجهیزات مربوط به تبخیر و انبساط و ایستگاه خردکردن و سائیدن U_3O_8 ؛
- دستور خرید اقلام عمده تجهیزات فراوری شیمیایی که در بند ۳ فوق ذکر شد؛

- دستور خرید اقلام عمده تجهیزات مربوط به فراوری سنگ معدن اورانیوم (مسیر آسیاب) و مسیر آسیاب جدید؛

همچنین توضیح داده شد که طبق قرارداد، شرکت کیمیا معدن تنها متعهد است که متن نهایی اسناد و طراحی ها را به سازمان انرژی اتمی ارائه دهد و این کار قبلاً انجام شده و سند نهایی از سوی این شرکت به سازمان تسلیم شده است. شرکت، الزامی برای ارائه اسناد ابتدایی و موقتی ندارد. در عین حال، کیمیا معدن به صورت غیررسمی برخی اسناد مربوط به این پروژه از جمله اولین نسخه های اسناد این پروژه و اولین نسخه های طراحی را بعد از انحلال شرکت، به سازمان انرژی اتمی ارائه داد (که متعاقباً به بازرسان آژانس ارائه شد).

طراحی های مهندسی به نشست ماه اوت ۲۰۰۵ ارائه گردید. در این طراحی ها، مخفف اسامی افراد که در طراحی نقشه ها و یا کنترل و تصویب آن نقش داشتند و نیز اشاراتی که به شماره پروژه و اسامی کارکنان شرکت (شرکت های فرعی و طرف قرارداد شرکت کیمیا معدن) که این طراحی ها را آماده کرده بودند، از طرف این شرکت خصوصی با ماژیک سیاه در دوسوی کاغذهای ارائه شده پوشانده شده و به بازرسان گفته شده که پوشاندن اسامی برای حفاظت از اسرار تجاری مربوط به یک شرکت خصوصی بوده است. آژانس در گزارش بازرسی خود نتیجه گیری کرد که از اطلاعات باقی مانده موجود برای آژانس درخصوص این اسناد هیچ سرنخی که بتوان نتیجه گیری کرد که اسناد مذکور اسناد اصلی نمی باشند، به دست نمی آید.

بعد از بررسی اسناد خرید تکمیلی که به بازرسان ارائه شد، آن ها نتیجه گیری کردند روشن است که کار اولین مدار آسیاب اورانیوم بسیار گسترده بوده است و در یک دوره زمانی کوتاه برقرار شده است. بنابراین، اظهارات ایران مبنی بر این که این کار در یک دوره کوتاه صورت گرفته، مورد تأیید آژانس قرار گرفت. گرچه ایران به طور فعال اسناد اصلی متعددی را در زمینه دانش فنی، طراحی و حتی اسناد خریدی که مربوط به مأموریت فنی بازرسان نبوده را ارائه کرد، اما ایران نگرانی جدی خود را از این مطلب بیان داشت که این درخواست ها ورای پروتکل الحاقی است و رویه جدیدی را بنا می نهد که تأثیر منفی بر تصمیمات دیگر کشورها که در حال بررسی و یا تصویب پروتکل الحاقی هستند، می گذارد.

بازرسی از سایت های نظامی

در شرف تشکیل اجلاس شورای حکام، بر حجم تبلیغات سیاسی آمریکا علیه ایران از طریق طرح ادعاهای بی اساس افزوده شده است. این نکته تاحدودی موجب دلسردی است که همکاری فعالانه ایران در اعطای دسترسی فوری به سایت های نظامی که ارتباط مستقیم با امنیت ملی دارد، آن طور

که باید و شاید در گزارشات به شورای حکام لحاظ نشده است. حقیقت این است که در مواردی که بازرسی های آژانس پوچ بودن این ادعاها را ثابت کرده است، به نحو صحیح به مدیرکل و نیز برای عموم گزارش نشده است. بنابراین، ضروری است که هرچه سریع تر مقررات قانونی توسط آژانس به تصویب برسد که مانع از طرح و تکرار ادعاهای بی اساس توسط یک کشور عضو علیه دیگران شود. تا تحقق یافتن این امر، آژانس بایستی دقت لازم را در مورد عواقب تداوم چنین روندی به کار بندد. ذیلاً به اختصار به بررسی سه مورد ادعاهای بی اساس در مورد کلاهدوز، لویزان - شیان و پارچین پرداخته می شود:

در بند ۴۹ مدیرکل گزارش کرده است که حیطة اختیارات قانونی آژانس برای راستی آزمایی فعالیت های اتمی مربوط به سلاح های هسته ای محدود است. در عین حال، آژانس همچنان خواستار همکاری ایران است که موارد مطروحه در گزارشات و موضوعات مربوط به تجهیزات، مواد و فعالیت هایی که در حیطة امور نظامی متعارف و حیطة غیرنظامی و نیز حیطة هسته ای نظامی کاربرد دارد، پیگیری شود. ایران به عنوان یک اقدام شفاف ساز به آژانس اجازه داد که از سایت های مرتبط با فعالیت های دفاعی یعنی کلاهدوز، لویزان و پارچین بازدید نماید. درحالی که آژانس هیچ فعالیت مرتبط با هسته ای در کلاهدوز نیافت، هنوز هم درحال ارزیابی اطلاعات است و (منتظر دریافت اطلاعات تکمیلی) درخصوص سایت لویزان می باشد. آژانس هنوز منتظر است که اجازه بازدید مجدد از پایگاه پارچین را بیابد.

نظرات عمومی:

- در صورتی که دبیرخانه درصدد کسب اختیارات قانونی بیشتری فراتر از اساسنامه آژانس، موافقت نامه جامع پادمان (INFCIRC/۱۵۳) و پروتکل الحاقی (INFCIRC/۵۴۰) است، بایستی این موضوع را به هنگام بررسی موضوع ایران مطرح کند. بایستی این موضوع را مدنظر داشت که بسیاری از کشورهای عضو از قبل نگرانی جدی خود را نسبت به افزایش چارچوب های حقوقی و اختیارات فعلی در مقطع حاضر که هنوز بسیاری از کشورهای عضو درحال بررسی جهت امضاء یا تصویب پروتکل الحاقی هستند، ابراز داشته اند و اظهاراتی که حاکی از ضعف، نقص یا کمبود در پروتکل الحاقی باشد می تواند جامعیت این پروتکل را زیر سؤال برده و آینده آن را دچار مخاطره کند.
- به رغم تبلیغات سنگین و نیت سیاسی علیه ایران، آژانس نتوانسته است حقایق مربوط به همکاری کامل ایران در اعطای دسترسی به سایت های نظامی، نمونه برداری ها و نتایج یافته هایش را به طور شایسته و بایسته، منصفانه و در زمان مناسب به جامعه بین المللی منعکس نماید.

- موجب نگرانی جدی است که دبیرخانه یک موضوع جدیدی را یعنی تجهیزات و مواد با کاربرد دوگانه را مطرح می‌سازد. این عبارت در ابزارهای حقوقی الزام آور آژانس مثلاً موافقت نامه های پادمان، شناسایی یا تعریف نشده است. بازکردن حیطه تعدادی از اقلام که کاربردهای متعددی در پزشکی، کشاورزی و صنعت دارند، یک خطر بزرگ برای اعتبار و کارایی و اختیارات آژانس است. کشورهای عضو درمورد رویه های جدید به ویژه چنان چه این رویه ها ورای اصطلاحات و اشارات تعریف شده و قابل قبول پادمان آژانس باشد، نگرانی جدی دارند. دبیرخانه، مشخصات تجهیزات دو منظوره را برابر مشخصات گروه تأمین کنندگان هسته ای (NSG) به هنگام درخواست توضیحات و بازدیدهای خود از لویزان و پارچین بکار برد، گویی این که توصیه های (NSG) از نظر حقوقی برای کشورهای عضو الزام آور است.

نظریات خاص و مشخص:

- درخصوص پایگاه کلاهدوز، آژانس نظر خود را تنها محدود به عبارت زیر نمود: باید توجه داشت که درخلال بازدید از کلاهدوز، بازرسان بر اساس منبع اطلاعاتی آشکار درخواست نمودند که در همان محل همچنین از سایت نظامی دیگری در نزدیکی کلاهدوز، به نام شهید کاظمی بازرسی نمایند. به نشانه همکاری و شفافیت، ایران به سرعت (ظرف ۱۵ دقیقه) امکان دسترسی به این سایت را فراهم نمود. همچنین یادآوری می‌گردد که درخلال همین بازدید، آژانس درخواست دیگری را برای دسترسی به محلی که به نظر آژانس یک سایت نظامی بود به عمل آورد. این درخواست نیز برآورده گردید. بعداً ملاحظه شد که محل مذکور یک انبار دارویی می‌باشد و نه آن گونه که منابع آشکار ادعا کرده بودند که یک سایت نظامی است. این همکاری های فعالانه مهم ایران هرگز در گزارش های ارائه شده به شورای حکام منعکس نگردید.

- در ارتباط با سایت لویزان - شیان بعد از شماری از ملاقات ها، بررسی سوابق بازرسی ها، نمونه برداری و مصاحبه ها آژانس در پاراگراف ۳۷ اطلاع می‌دهد که از اکتبر سال ۲۰۰۳ ایران براساس درخواست به عمل آمده و به عنوان یک اقدام شفاف ساز، امکان دسترسی آژانس به اطلاعات و اماکن اضافی معینی را که خارج از موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی است فراهم نمود. گرچه دبیرکل نسبتاً گزارش نمود که این بازدیدها و بازرسی ها در جوی از شفافیت سازی و همکاری، و نه اجبار به عمل آمدند. اما این حقیقت مورد تأکید قرار نگرفت که نتایج نمونه برداری و تحقیقات حاکی از یافتن

نشانه ای برخلاف اظهارات ایران نبوده و لذا ادعاهای به عمل آمده بی اساس می باشند. مدیرکل در بند ۳۹ گزارش اطلاع داد که به نظر می رسد اطلاعات ارائه شده توسط ایران با توضیحات داده شده در مورد تخریب ساختمان های موجود در منطقه لویزان - شیان مطابقت دارد.

- در ارتباط با پارچین، آژانس مطلع گردید که این سایت به عنوان یک سایت نظامی متعارف کاملاً شناخته شده بوده و در آن هیچ گونه فعالیتی که قابل اظهار به آژانس باشد، وجود ندارد. اما به عنوان یک عمل شفاف سازی و به منظور رفع هرگونه ابهام و اثبات این که ادعاها بی اساس می باشند، از پذیرش بازرسان آژانس مشروط به این که ملاحظات امنیتی ایران را رعایت نمایند استقبال می شود. متن این مباحثات و تصمیمات، اکنون به منظور ارائه تصویری روشن از تحولات منعکس می گردد. در خلال این ملاقات، هیئت ایرانی اعلام نمود: جمهوری اسلامی ایران مصمم است نگرانی های جامعه بین المللی را با اجرای موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی رعایت نماید. البته ایران از ادامه ادعاهای بی اساس کشوری خاص و گروه تروریستی شناخته شده و درخواست های آژانس برای بازدید که براساس این ادعاها است، نگران می باشد. ایران به آژانس اطمینان می دهد که مجتمع پارچین یک سایت هسته ای نبوده و هیچ گونه فعالیتی که براساس موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی قابل اظهار باشد، در آن انجام نمی شود. جمهوری اسلامی ایران بر این اعتقاد است که درخواست های مکرر آژانس برای بازدید براساس چنین ادعاهایی، همان گونه که در بازدیدها و بازرسی های قبلی ثابت گردید بی اساس بوده و اعتبار و شهرت آژانس را به خطر می اندازد.

با توجه به نگرانی های فوق و رعایت نکات ذیل توسط آژانس، ایران با دسترسی آژانس به سایت پارچین موافقت نمود:

- درخواست آژانس، تا جایی که به طول و عرض و مشخصات جغرافیایی محل مربوط می شود، باید به اندازه کافی مشخص باشد.
- آژانس محلی را با بالاترین اولویت در مجتمع انتخاب خواهد نمود.
- بازرسان آژانس، مقررات امنیتی وزارت دفاع را به طور کامل در خلال بازدید رعایت خواهند نمود.
- آژانس از انتشار اطلاعات به دست آمده در خلال بازدید از این سایت (چه شفاهی و چه کتبی) با توجه به ماهیت محرمانه بودن این چنین اطلاعاتی، اجتناب خواهد نمود.

- پس از بازدید و اثبات کذب بودن (ادعاها) و فقدان مدرک مبنی بر انحراف برای اهداف ممنوعه، آژانس رسماً ماهیت بی پایه و اساس ادعاها را به اطلاع جامعه بین المللی خواهد رساند.
- با توجه به تأثیرات منفی چنین ادعاهای بی پایه ادامه دار و بازدیدهای آژانس، انتظار می رود که چنین روندی ادامه نیابد.
- هرگونه درخواستی در آینده برای روشن سازی یا دسترسی، برطبق موافقت نامه پادمان ایران و پروتکل الحاقی خواهد بود.

در همین ملاقات، آژانس منطقه ای را که دارای بالاترین اولویت می باشد، انتخاب نمود. مدیرکل نیز این توافق را تأیید نمود البته وی درخواست نمود در صورت امکان منطقه دیگری نیز مورد بازدید قرار گیرد. اما تأکید گردید که این درخواست شرطی برای توافق به عمل آمده نمی باشد. قبل از حرکت بازرسان به سوی این سایت، مقامات ایرانی فرصت دیگری به آژانس دادند تا در صورت علاقه، منطقه دیگری را به جای آن انتخاب نماید. بازرسان اطلاع دادند که آن ها کماکان مایلند منطقه تعیین شده در ملاقات وین را بازرسی نمایند. این بازرسی همان گونه که در گزارش مدیرکل تأیید شده است، با همکاری کامل وزارت دفاع به عمل آمد. در پاراگراف ۴۱ گزارش سپتامبر ۲۰۰۵ (GOV/۲۰۰۵/۶۷) مدیرکل همچنین گزارش داد: آژانس دسترسی آزادانه به آن ساختمان ها و اطراف آن داشت و اجازه داشت نمونه های محیطی بگیرد که نتیجه آن حاکی از عدم وجود هرگونه ماده هسته ای یا تجهیزات یا موادی مرتبط که مصرف دوگانه داشته باشد، بود. بنابراین، درخواست جدید برای بازدید از پارچین خلاف موافقت نامه ای بود که در بالاترین سطح در وین حاصل شد و متعاقب آن، بازرسی به شیوه ای بسیار رضایت بخش همان گونه که قبلاً در گزارش آژانس نیز مطرح شد انجام گردید.

پروژه تحقیقات پلوتونیوم (بندهای ۸ و ۲۴ مندرج در سند GOV/۲۰۰۵/۶۷)

عبارت های «اطلاعات جدید» در بند ۸ و «یافته پیشین آژانس مبنی بر این که زمان تولید محلول های پلوتونیوم در شیشه ها به نظر کمتر از ۱۲ الی ۱۶ سال می باشد» و این که گفته شده است پلوتونیوم بعد از سال ۱۹۹۳ جداسازی شده، درست نمی باشد. ایران این اختلاف فنی در مورد «زمان تولید» پلوتونیوم را در بیانیه خود به شورای حکام در ژوئن ۲۰۰۵ روشن ساخت و بدین ترتیب، ابهامی که قبلاً در این زمینه وجود داشت، مرتفع گردید.

از آژانس انتظار می رود که به جای ارائه اطلاعات فنی کوچک و نسبی که می تواند خواننده گیر فنی را دچار اشتباه سازد، تصور کاملی از این موضوع ارائه دهد. به عنوان مثال، این عبارت در

بند ۲۴ که می گوید «تعداد کل مواد موجود در این محفظه بیشتر از آن چه اعلام شد، بوده است»، ممکن است سوء برداشت ایجاد کند، زیرا آژانس از این حقیقت آگاه است که تعداد کل مربوط به بسته ها بوده است و نه لزوماً تعداد محفظه ها. در اینجا موضوع میزان مواد هسته ای پرتوافشانی شده مطرح است و نه ظروفي که بایستی به عنوان زباله کنار گذاشته شود! همچنین باید یادآور شد که خود ایران پیشنهاد داد که از مواد زباله ای پرتو داده شده نمونه برداری شود. زیرا این مواد بازآوری نشده بودند و بدین ترتیب، تاریخ پرتو افشانی و جداسازی را می شد مشخص نمود.

غنی سای ساتریفیوژ (P۱) و (P۲)

بعد از دو سال بحث و گفتگوی مشترک میان ایران و آژانس و انجام بازدیدهای متعدد و مصاحبه با کارشناسان، مقامات ذی ربط در این پروژه نمونه برداری های محیطی که به حل و فصل موضوع کلیدی مربوط به آلودگی مواد اورانیوم با غنای بالا و اورانیوم با غنای پایین منجر شد، آژانس به نقطه ای رسید که می توانست با صداقت، کامل بودن و صحت اطلاعات ارائه شده از سوی ایران را در زمینه برنامه های غنی سازی اعلام کند. اما تا این زمان آژانس از چنین اعلامی به خاطر فشارهای سیاسی برخی کشورهای غربی خودداری کرده است. این کشورها این موضوع را با فعالیت های فوق العاده غیرفنی و بررسی های اطلاعاتی به اصطلاح شبکه هسته ای گره زده اند. بازرسان آژانس با سابقه علمی و هسته ای صرفاً به فعالیت های امنیتی - اطلاعاتی می پردازند که مستلزم همکاری نزدیک با آژانس های اطلاعاتی کشورهای غربی است. در عین حال، دبیرخانه ادعا می کند که تصمیمات شورای حکام را اجراء می کند بنابراین، ضرورت فوری دارد که یک سازوکار قانونی به وجود آید که وظیفه آن ارائه مشورت های حقوقی به کشورهای عضو شورای حکام قبل از تصویب هر تصمیم یا قطعنامه است تا این که تطبیق تصمیمات و قطعنامه های شورا با اساسنامه آژانس تضمین شود. این فعالیت ها مطمئناً خارج از وظایف اساسنامه ای آژانس است. بیشتر موضوعات مربوط به P۱ و P۲ که هنوز آژانس آن ها را باقی مانده در نظر می گیرد، اطلاعات مربوط به معامله انجام شده با واسطه ها است. آژانس اصرار دارد اطلاعاتی را در مورد تاریخ و مکان ملاقات با واسطه ها و ریز صورت مذاکرات انجام شده در این ملاقات ها و فهرست افراد شرکت کننده در ملاقات ها، شغل و آدرس این افراد، گذرنامه اصلی خدمت یا شخصی کارشناسان ایرانی، میزان پول پرداخت شده و غیره را دریافت دارد. این در حالی است که در مواردی که نام تأمین کنندگان در بازرسی ها مشخص شده بود، بعدها از دریافت مجوزهای صادراتی محروم شدند (ایران در جریان بازرسی، نام این افراد یا شرکت ها را مخفی نگاه نداشته بود) یا این که برخی از دانشمندان ایرانی که علاقمند به شرکت در کنفرانس های بین المللی یا

سفرهای شخصی بودند، متأسفانه از دریافت روادید محروم ماندند. بدون شک، هیچ کشور عضوی نمی تواند تصور این را بکند یا به بازرسان آژانس اجازه دهد که به خط قرمزهای امنیت ملی و مسائل خصوصی اتباعش وارد شوند.

خلاصه

با عنایت به این که:

- بعد از ۱۳۰۰ نفر - روز بازرسی منسجم و فعال از ایران؛
- اجرای کامل پروتکل الحاقی، از جمله انجام بیش از ۲۰ بازدید تکمیلی که برخی از آن ها تنها با ۲ ساعت یا کمتر از دو ساعت اطلاع قبلی در دو سال گذشته صورت گرفته است؛
- آژانس تأیید کرده است که هیچ مدرکی دال بر این که مواد و فعالیت های هسته ای ایران به سمت اهداف ممنوعه منحرف شده است، ندارد؛
- از همه مواد هسته ای صورت برداری شده است؛
- ایران تصمیم گرفته یک اقدام فعالانه عمده دیگر یعنی تعلیق داوطلبانه فعالیت های غنی سازی خود را انجام داده تا به آژانس این فرصت داده شود تحلیل های فنی خود را از نمونه برداری ها انجام دهد؛
- آژانس همان گونه که توسط مدیرکل گزارش شده است (سند شماره GOV/۲۰۰۵/۶۷) تأیید دارد که منشأ آلودگی اورانیوم با غنای بالا خارج از ایران بوده است و ثابت شده است که ذرات اورانیوم غنی شده در نتیجه غنی سازی در ایران نبوده است؛
- ایران موافقت نامه جامع پادمان را اجراء می کند و داوطلبانه پروتکل الحاقی را اجراء می نماید، به گونه ای که آن را تصویب کرده است؛
- تاریخ تلخ گذشته درمورد انحصار طلبی، تحریم ها و نیز عدم وجود اسناد بین المللی الزام آور برای تضمین تأمین هسته ای؛
- همان گونه که در بیانیه های گروه غیرمتعهدها و قطعنامه ها و حتی قطعنامه اخیر اجلاس فوق العاده شورای حکام آمده است، تعلیق فعالیت های مربوط به غنی سازی داوطلبانه و غیرالزام آور از نظر حقوقی بوده و یک اقدام اعتمادساز به شمار می رود؛
- وجود سازکارهای کاملاً توجیه پذیر و قابل اتکاء از نظر فنی و پیچیدگی تجهیزات نظارتی در اداره پادمان آژانس، می تواند فعالیت های اظهارشده غنی سازی و سطح غنی سازی را

راستی آزمایی نموده و تضمین دهد که این گونه فعالیت ها صرفاً برای اهداف صلح آمیز است؛

- جمهوری اسلامی ایران در مناسبت های مختلف اعلام داشته است که از هیچ تلاشی برای اطمینان دادن به جامعه بین المللی درمورد صرفاً صلح آمیز بودن فعالیت هایش دریغ نمی کند؛

- هیچ دلیلی برای ایران وجود ندارد که تعلیق داوطلبانه و کسالت آور تبدیل اورانیوم (UCF) و غنی سازی را ادامه دهد، چرا که همچنان از حق انکارناپذیر خود در زمینه چرخه سوخت هسته ای محروم می ماند. در حالی که هدف از آن، تولید سوخت لازم برای رآکتورهای تحقیقاتی و تأسیسات تولید انرژی هسته ای است.

نتیجه گیری

براساس حقایق و اسنادی که در این مطلب به آن اشاره شده است، کشورهای عضو آژانس بین المللی اتمی بایستی روند تدریجی و سازنده را درچارچوب آژانس تسهیل نمایند و بدین ترتیب، تضمین بیشتری درمورد چندجانبه گرایی و دیپلماسی چندجانبه داده شود. در عین حال، کشورهای عضو باید مانع از آن شوند که یک کشور خاص که در مناسبت های دیگر سیاست یک جانبه ای را در تعارض با حقوق بین الملل اجراء کرده است و نگرانی جدی امنیتی جامعه بین المللی را به بهانه های واهی وجود سلاح های کشتار جمعی نادیده گرفته است، دستاوردهای آژانس را که تاکنون حاصل شده را به گروگان بگیرد و روند بررسی پرونده ایران را به خارج از آژانس منحرف سازد و درجهت رویارویی فشار آورد که مطمئناً می تواند امنیت منطقه ای و جهانی را به مخاطره اندازد.

جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر تعهد کامل خود را نسبت به اصول خلع سلاح هسته ای و عدم اشاعه ابراز می دارد و اعلام می دارد که تسلیحات هسته ای جایی در دکترین دفاعی ایران ندارد. جمهوری اسلامی ایران اعلام می دارد که مصمم است به همکاری کامل خود با آژانس بین المللی انرژی اتمی و اجرای تعهداتش طبق پادمان آژانس ادامه دهد، به شرط آن که از حق انکارناپذیر خود در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای از جمله چرخه سوخت هسته ای که در اساسنامه آژانس و در معاهده عدم اشاعه تصریح شده است، محروم نشود.

۵. قطعنامه شورای حکام^۱

شورای حکام

الف) با یادآوری قطعنامه های مصوب شورا در تاریخ های ۱۱ اوت ۲۰۰۵، ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴، ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴، ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴، ۱۳ مارس ۲۰۰۴، ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ و ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳، بیانیه شورای حکام در مورخ ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳ و جمع بندی های رئیس شورا در مارس ۲۰۰۵ و ژوئن ۲۰۰۵؛

ب) با یادآوری این که ماده ۴ معاهده عدم اشاعه سلاح های هسته ای تصریح می نماید که هیچ چیز در معاهده به معنای تأثیرگذاری بر حقوق لاینفک تمام طرف های متعاقد برای توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته ای در مقاصد صلح آمیز بدون تبعیض و مطابق با مواد ۱ و ۲ معاهده مزبور نخواهد بود؛

ج) با تقدیر از مدیرکل و دبیرخانه به خاطر فعالیت های حرفه ای و تخصصی در اجرای موافقت نامه پادمان در ایران در جهت حل و فصل مسائل باقی مانده پادمانی در ایران و همچنین راستی آزمایی اجرای تعلیق در ایران؛

د) با یادآوری قصورات ایران در موارد متعدد درخصوص تمدید ضرب الاجل برای اجرای تعهداتش به موجب موافقت نامه پادمان ان.پی.تی با توجه به گزارش دهی پیرامون مواد هسته ای، فراوری و استفاده از آن و همچنین اظهارنامه ایران درمورد تأسیسات و اماکنی که چنان موادی در آنجا فراوری و ذخیره می شود، همانگونه که در گزارش مورخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳ توسط مدیرکل به آن اشاره شده و در گزارش مورخ ۲ سپتامبر ۲۰۰۵ مورد تأیید قرار گرفته است؛

ه) همچنین با یادآوری این که همانگونه که در قطعنامه GOV/۲۰۰۳/۸۱ شورا مورد اشاره قرار گرفته است، سیاست پنهان کاری ایران به موارد متعدد نقض تعهداتش در اجرای مفاد موافقت نامه پادمان منجر گردیده است؛

و) با یادآوری این که مدیرکل در گزارش مورخ ۲ سپتامبر ۲۰۰۵ خود به شورا خاطرنشان ساخت که پیشرفت خوبی در زمینه اصلاح موارد نقض شده توسط ایران و همچنین در توانایی آژانس در تأیید جوانب و ابعاد خاص اظهارنامه کنونی ایران حاصل شده است؛

^۱ GOV/۲۰۰۵/۷۷, ۲۴ September ۲۰۰۵.

ز) با توجه به این که همانگونه که توسط مدیرکل گزارش شده، آژانس هنوز پس از ۲/۵ سال راستی آزمایی فشرده با روشن سازی برخی از مسائل مهم باقی مانده فاصله دارد و این که شفافیت کامل ایران امری اجتناب ناپذیر بوده و به تأخیر انجامیده است؛

ح) با ابراز عدم اطمینان از تحرکات ایران در زمینه قصور در ارائه اظهارنامه مهم در زمینه تمديد ضرب الأجل و پیگیری سیاست پنهان کاری تا اکتبر ۲۰۰۳؛
ط) با نگرانی از ایجاد شکاف های مستمر در درک آژانس از ابعاد حساس برنامه هسته ای ایران؛

ی) با یادآوری تأکید صورت گرفته بر قطعنامه های گذشته درخصوص اهمیت اقدامات اعتمادساز و تأکید مجدد این قطعنامه ها بر اجرای کامل و پایدار تعلیق تصریح شده در مورخ ۱۴ نوامبر ۲۰۰۴ به عنوان یک اقدام اعتمادساز داوطلبانه و غیرالزام آور حقوقی که باید مورد تأیید آژانس قرار گیرد، و این که رسیدگی به موارد باقی مانده ضرورت دارد؛

ک) با ابراز تأسف از این واقعیت که ایران تا این تاریخ از توجه به درخواست شورای حکام در قطعنامه مورخ ۱۱ اوت ۲۰۰۵ آن مبنی بر ازسرگیری تعلیق کامل تمام فعالیت های مربوط به غنی سازی از جمله تولید مواد تزریق، از جمله از طریق آزمایش های تولید در تأسیسات تبدیل اورانیوم (یو.سی.اف) خودداری کرده است؛

ل) همچنین با ابراز نگرانی از این که ایران تاکنون از توجه به درخواست های مکرر برای تصویب پروتکل الحاقی و تجدیدنظر در تصمیمش برای ساخت رآکتور هسته ای و کارخانه آب سنگین خودداری کرده و این که چنین اقدامات اعتمادسازی می توانست در زمینه ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای ایران کمک کند؛

م) با توجه به این که مدیرکل گزارش کرده است که آژانس به پیگیری دریافت اطلاعات پیرامون برنامه هسته ای ایران و فعالیت های مرتبط با آن ادامه می دهد و این که اقتدار حقوقی آژانس برای پیگیری و تعقیب راستی آزمایی هرگونه فعالیت محتمل در زمینه سلاح های هسته ای محدود است؛

ن) با تأیید توضیحات مدیرکل در این زمینه به عنوان یک مورد خاص راستی آزمایی
س) با توجه به اینکه آژانس هنوز در موقعیتی نیست که نتیجه گیری و جمع بندی نماید که هیچ مواد هسته ای یا فعالیت اعلام نشده ای در ایران وجود ندارد؛

۱. تشخیص می دهد که بسیاری از موارد قصور و نقض تعهدات ایران در اجرای مفاد موافقت نامه پادمان ان.پی.تی، همانند آن چه در سند GOV/۲۰۰۳/۷۵ به تفصیل آمده حاکی از عدم سازگاری آن با ماده ۱۲ (ج) اساسنامه آژانس می باشد.

۲. همچنین تشخیص می دهد که تاریخچه پنهان کاری در فعالیت های هسته ای ایران که در گزارش مدیرکل به آن اشاره شده، ماهیت این فعالیت ها و موارد مربوط به راستی آزمایی آژانس درمورد اظهارنامه های ایران از سپتامبر ۲۰۰۲ و نتیجتاً فقدان اعتماد به این که برنامه هسته ای ایران منحصرأ در مقاصد صلح آمیز می باشد، منجر به طرح سؤالاتی شده که بررسی آن ها در صلاحیت شورای امنیت به عنوان نهاد دارای مسئولیت در زمینه حفظ صلح و امنیت بین المللی قرار می گیرد.
۳. از مدیرکل درخواست می نماید تلاش ها و اقدامات خود را در اجرای این قطعنامه و قطعنامه های پیشین ادامه داده و هرگونه پیشرفت درخصوص موارد مطروحه در گزارش مورخ ۲ سپتامبر خود را بار دیگر به شورای حکام گزارش نماید. شورای حکام، زمان و محتوای گزارش درخواستی به موجب ماده ۱۲ (ج) و نیز اطلاع لازم به موجب ماده ۳ (۴-ب) را بررسی خواهد کرد.
۴. به منظور کمک به مدیرکل در حل و فصل سؤالات باقی مانده و فراهم نمودن تضمین های لازم، اجرای موارد ذیل را از ایران درخواست می نماید: اجرای اقدامات و تدابیر مربوط به شفافیت همانگونه که درمورد درخواست مدیرکل در گزارش او نیز بوده که گستره آن فراتر از مطالبات رسمی مطرح در موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی و شامل دسترسی به افراد، اسناد مربوط به تهیه استفاده دوگانه از تجهیزات و دسترسی به کارگاه های نظامی و اماکن تحقیق و توسعه مربوط می باشد؛ ازسرگیری مجدد تعلیق کامل و پایدار تمام فعالیت های مرتبط با غنی سازی و بازآوری؛ تجدیدنظر در ساخت رآکتور تحقیقاتی مربوط به آب سنگین؛ تصویب و اجرای سریع و کامل پروتکل الحاقی و تا زمان تکمیل مراحل تصویب پروتکل الحاقی، ادامه اقدام برطبق مفاد این پروتکل که ایران در مورخ ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ آن را به امضاء رسانده است.
۵. از ایران می خواهد به تعهدات خود به طور کامل عمل کند و به فرایند مذاکره که طی دوسال گذشته پیشرفت خوبی داشت، بازگردد.
۶. از مدیرکل می خواهد تلاش های خود را در زمینه اجرای موافقت نامه پادمان آژانس درمورد ایران ادامه دهد، پروتکل الحاقی به آن موافقت نامه را موقتاً اجراء نماید و به پیگیری اقدامات اضافی شفاف ساز که به منظور قادرساختن آژانس به بازسازی تاریخچه و ماهیت تمام ابعاد فعالیت های هسته ای گذشته ایران لازم می باشد و همچنین جبران کمبود اعتماد در این زمینه بپردازد.
۷. تصمیم می گیرد که این موضوع همچنین در دستور کار باقی بماند.

۶. بیانیه جمهوری اسلامی ایران پس از قطعنامه شورای حکام^۱

امروز، روز مهمی است و به عنوان یک نقطه عطف ثبت خواهد شد. برای بیش از دو سال، موضوع ایران در دستورکار این شورا قرار دارد. در طول این مدت، ایران به منظور اعاده اطمینان در خصوص ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای خود اقدامات بی سابقه ای را انجام داده است. در مقابل هر چالشی ایستاد و هر ادعایی را با پاسخ گویی لغو کرد. وقتی که موضوعات حل و فصل می شدند، ادعاهای جدید که فاقد مستندات قابل اتکاء بودند مطرح می شوند. با این وجود، ایران به تک تک آن ها پاسخ داد. تمامی این ادعاها اثبات شد که غلط بودند. بعد از بازرسی های گسترده، کوچکترین نشانه ای از مواد و یا فعالیت های هسته ای که به سمت سلاح های هسته ای منحرف شده باشد، یافت نشد. تنها موضوعی که با برخی مستندات همراه بود، آلودگی دارای منشأ خارجی است. تحت شرایط عادی عادلانه و منطقی، آخرین یافته آژانس اظهارات ایران را تأیید می کند که باید این موضوع بسته شود. سایر مسائل قطعاً در چارچوب راستی آزمایی عادی پادمان قرار می گیرد.

آنچه که این شورا انجام داده است، کاملاً برعکس می باشد. آژانس تأیید کرده است که هیچ مستنداتی در خصوص انحراف وجود ندارد. آژانس بیان می دارد که کار در حال پیشرفت است. آژانس خاطر نشان می سازد که برای دستیابی به خاتمه دادن نهایی موضوع و ارائه گواهی سلامت تحت پروتکل الحاقی، نیاز به انجام کار بیشتری دارد.

کشورهای غربی دارنده سلاح های هسته ای و متحدان آن ها به دنبال این هستند که کشورهای غیرهسته ای باید علاوه بر انجام تعهدات موجود خود، به طور دائمی حق غیرقابل انکار خود برای توسعه و تولید سوخت و نیروگاه هسته ای برای مقاصد صلح آمیز را فراموش کنند. چگونه و تحت چه شرایطی این نهاد از یک کشور عضو می خواهد از فعالیت هسته ای که کاملاً تحت NPT مجاز است و تحت نظارت های کامل پادمان آژانس نیز قرار دارد، خودداری نماید. چنین درخواستی غلط است و بدعتی را ایجاد می کند که بدتر است. اگر چنین اتفاقی روی دهد، هیچ دولت عضوی مصون نخواهد ماند. ایران فعالیت خود در UCF اصفهان را تحت موافقت نامه پاریس تعلیق کرد، به شرط این که موافقت نامه قابل پذیرش دوجانبه ای در مورد برنامه غنی سازی سوخت حاصل شود. پیشنهاد سه کشور اروپایی و اتحادیه اروپا که خواهان حذف چرخه سوخت است، نقض موافقت نامه پاریس محسوب می شود.

^۱ این بیانیه توسط مهدی آخوندزاده، سفیر و نماینده جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان های بین المللی در وین قرائت شده است.

تصمیم امروز، مفادی را که بین ایران و سه کشور اروپایی در بیانیه تهران موافقت شد، نقض می کند. با درگیر شدن شورای امنیت، ایران دیگر هیچ تعهدی در خصوص اقدامات داوطلبانه که به طور موقت و تحت بیانیه تهران اتخاذ شده اند، ندارد. ایران بسیار فراتر از آن چیزی که می بایست انجام شود، برای حصول به یک موافقت نامه با اروپا انجام داده است. ایران حداکثر انعطاف را در تمام تلاش ها و اقدامات خود نشان داده است. ایران، گفتگوها و مذاکرات فشرده ای را به ویژه در طول چند هفته گذشته در نیویورک و وین به منظور حل و فصل موضوع و اجتناب از بروز یک بحران ناخواسته انجام داده است. متأسفانه علیرغم تلاش ها و حسن نیت بسیاری از کشورها، تمامی این تلاش ها با شکست مواجه شدند.

تحت این شرایط:

- ایران آمادگی دارد تا همکاری خود با آژانس را طبق تعهدات پادمانی خویش انجام دهد.
 - ایران آماده است تا با آژانس با هدف اعتمادسازی و شفافیت، با اجرای پادمان به منظور تضمین مداوم عدم انحراف به سمت سلاح هسته ای کار کند.
 - ایران همچنین آماده است تا مذاکرات را با تمامی کشورها به ویژه سه کشور اروپایی در چارچوب ابتکار رئیس جمهور که در مجمع عمومی در نیویورک ارائه شد، ادامه دهد.
- تکرار می کنیم که رویکرد سابق سه کشور اروپایی مبتنی بر تأخیر، غیرقابل پذیرش است و درخواست های بی اساس آن ها برای توقف فعالیت های صلح آمیز هسته ای ایران، درخواستی است که خیانت به NPT و پادمان بوده و بدعت مخربی را برای تمامی کشورها ایجاد می کند که باید هر چه سریعتر برداشته شود.
- چنان چه تقابل با فعالیت های هسته ای صلح آمیز ایران حقوق غیرقابل انکار ایران را به چالش بکشد، ایران در مقابل آن خواهد ایستاد و چالش را رفع خواهد کرد. ایران قطعاً از حق خود برای کامل کردن چرخه سوخت هسته ای برای برنامه صلح آمیز هسته ای خود دست نمی کشد. تهدیدات شورای امنیت به هیچ وجه مانع این تصمیم نمی شود. ما به دنبال تقابل نیستیم. ما از یک بن بست دیپلماتیک استقبال نمی کنیم. ما به دنبال پایان دادن به مذاکرات نیستیم، اما مذاکرات تحت تهدید بی معناست و نمی تواند منجر به یک موافقت نامه شود. تحت تهدید تقابل، ما چاره ای نخواهیم داشت جز این که حقوق خود را پیگیری و حفظ کنیم.

۷. بیانیه عدم تعهد پس از قطعنامه شورای حکام

۱. جنبش عدم تعهد، تصویب قطعنامه ارائه شده توسط فرانسه، آلمان و انگلیس درخصوص اجرای موافقت نامه پادمان در جمهوری اسلامی ایران را مدنظر قرار می دهد.
۲. از نظر عدم تعهد، عناصر این قطعنامه مبنای کاملی را برای حرکت به سمت یک راه حل سازنده در مورد موضوع برنامه هسته ای ایران شکل نمی دهد. به خاطر ماهیت جدی موضوعات مطروحه در این قطعنامه، عدم تعهد پیشنهاد کرده است که زمان و دیپلماسی برای مشورت درخصوص این موضوع در اجلاس نوامبر شورای حکام اجازه داده شده و مذاکرات با هدف حصول به یک تصمیم اجمالی پگیری شود. به هر حال، نگرانی های عمده عدم تعهد و سایر کشورهای همفکر در این شورا مدنظر قرار نگرفتند. پیش نویس قطعنامه در آخرین ساعات جمعه شب ثبت شد که کار را برای اخذ دستور العمل از مراکز برای هیات ها بسیار دشوار کرد.
۳. قطعنامه، حق غیرقابل انکار تمامی کشورهای عضو معاهده برای توسعه انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز را زیر سؤال می برد. این قطعنامه همچنین تمایزی بین تعهدات حقوقی کشورهای عضو در رابطه با موافقت نامه پادمانی آنان و اقدامات اعتمادساز داوطلبانه آنان ایجاد نمی کند. هرگونه اشاره تلویحی یا تصریحی به شورای امنیت درخصوص ماهیت برنامه هسته ای ایران با تعیین از قبل عدم پایبندی ایران در چارچوب ماده ۱۲ ج اساسنامه آژانس و بدون اجازه به مدیرکل آژانس برای تکمیل کار خود در حل و فصل موضوعات باقی مانده، مبنای صحیحی برای حرکت به سمت جلو نمی باشد.
۴. در این زمینه، عدم تعهد از آمادگی ایران برای از سرگیری مذاکرات با سه کشور اروپایی استقبال می کند و بر نیاز به صبر و خویشتن داری که بایستی توسط تمامی کشورهای ذی ربط اعمال شود، تأکید می کند. عدم تعهد قویاً بر این عقیده است که ادامه مذاکرات بهترین راه برای حرکت به سمت یک نتیجه سازنده است.

۸. بیانیه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به قطعنامه شورای حکام
(۱۳۸۴/۷/۵)

شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی سرانجام در پایان روز ۲۴ سپتامبر (۸۴/۷/۲)، قطعنامه شماره GOV/۲۰۰۵/۷۷ را درحالی که رأی گذاشت که مفاد این قطعنامه شکاف قابل توجهی را در میان اعضای آژانس ایجاد نمود که حاکی از عدم اجماع بین المللی و نمادی از فشار برخی قدرت های زیاده طلب محسوب می شود.

جمهوری اسلامی ایران و گروه کشورهای همفکر، تلاش فراوانی را به عمل آوردند تا چنین وضعیتی ایجاد نشود. خطر عرفی شدن حذف حقوق و امتیازات اعضای آژانس و افزایش تعهدات آنان، نگرانی عمیقی را در میان اعضاء پدید آورده است. جمهوری اسلامی ایران از نخستین روزهای آغاز فرآیند پرونده سازی درباره فعالیت های صلح آمیز هسته ای خود به دست ایالات متحده، به احترام و حرمت عضویت خود در آژانس و تعهد خود به معاهده عدم اشاعه رفتارهای فراحقوقی و غیرمرسوم بسیاری را از جمله اقدامات فراتر از پادمان بازرسی های سرزده بازرسان آژانس را نسبت به خود تحمل نمود.

صبر، حوصله و خویشتنداری طرف ایرانی در فرایند فشارهای فراحقوقی و غیرفنی که در طول تابستان ۲۰۰۳ از سوی برخی اعضای آژانس وارد شده بود، بر همگان آشکار است. اگر جمهوری اسلامی ایران گسترده ترین همکاری های بی سابقه خود را ارکان آژانس و با برخی از اعضای غربی مبذول نمود، نه به دلیل پذیرش اتهام های غیرواقعی بلکه به دلیل تلاش برای رفع سوء تفاهم و سلب بهانه های نابجا بود. در اکتبر ۲۰۰۳، جمهوری اسلامی ایران برای اثبات حسن نیت و به منظور اعتمادسازی بین المللی، علی رغم حقوق مسلم و محرز خود اقدامات داوطلبانه مهمی را برای حل و فصل نهایی مسائل هسته ای به عمل آورد که متأسفانه قطعنامه اخیر این مسیر و دستاوردهای ناشی از آن را در معرض نابودی قرار داد. در این مسیر، در طول سه سال گذشته جمهوری اسلامی ایران واقعیات بسیاری را به اثبات رسانده است. با آژانس همکاری کامل به عمل آورده است. نسبت به شفاف سازی تمامی موارد مبهم تلاش و اقدام نموده است. همه آن چه که گاهی به عنوان قصور و گاهی به عنوان تخلف به ایران نسبت داده می شد، به تدریج مورد حل و فصل قرار گرفته و در نهایت در آخرین گزارش مدیر کل محترم در سپتامبر ۲۰۰۵ حل آن ها مورد ابرام واقع گردید، به نحوی که مدیرکل اذعان نموده است که جمهوری اسلامی ایران هیچگونه انحرافی از فعالیت های صلح آمیز نداشته است. اینک با تأکید بر این که جمهوری اسلامی ایران تحکیم پیوندهای اصولی در میان اعضای

آژانس و موفقیت در مدیریت بین المللی هسته ای را ضرورتی حیاتی به شمار می آورد، لذا همکاری جمعی در این حوزه را با رعایت ملاحظات ذیل ادامه خواهد داد:

۱. جمهوری اسلامی ایران، آژانس و اساسنامه آن را تنها مرجع دارای صلاحیت درخصوص ایجاد توازن و تعادل تکنولوژیک هسته ای می داند و هرگونه دخالت غیرمسئولانه و یک جانبه و غیرحقوقی آژانس را خطر جدی برای مدیریت آینده هسته ای بین المللی تلقی می نماید.
۲. جمهوری اسلامی ایران، اجرای کامل و غیرتبعیض آلود مفاد اساسنامه آژانس را وظیفه حساسی برای تمامی اعضاء به ویژه مجمع عمومی و شورای حکام آژانس می داند.
۳. جمهوری اسلامی ایران، رویکرد دوگانه و آپارتاید هسته ای را برهم زننده تعادل و ثبات نظام امنیت بین المللی دانسته، این فرایند را تهدیدی جدی برای آینده بشریت می داند.
۴. تفسیر حداقلی از حقوق کشورهای نदार و تفسیر حداکثری از اختیارات کشورهای دارا، صلح و امنیت و توسعه بین المللی از یک سو و موفقیت و ادامه حیات معاهده مزبور را از سوی دیگر با تهدید جدی مواجه می سازد.
۵. جمهوری اسلامی ایران اصرار بیش از حد بانیان این قطعنامه را برای تحمیل شرایط غیرحقوقی به ایران در جهت عرفی نمودن سلب حقوق تمام اعضای آژانس می داند.

از این رو، جمهوری اسلامی ایران اصل برخورداری از چرخه کامل سوخت هسته ای را براساس NPT از حقوق مسلم خود می داند و از هرگونه تلاشی برای رسیدن به موفقیت و تفاهم کامل در موضوع هسته ای صرفاً درچارچوب NPT، اساسنامه آژانس و قرارداد پادمان استقبال می نماید.

به همراه اعضای که از دادن رأی مثبت به قطعنامه ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ امتناع نمودند و به دلیل نص صریح NPT و اساسنامه آژانس، نادیده گرفتن حقوق و حاکمیت مسلم کشورها و درخواست های فراحقوقی را مورد پذیرش ندانسته و غیرقابل اجراء می داند. درصورت عدم اصلاح قطعنامه یا پافشاری بر اجرای آن، جمهوری اسلامی ایران ناچار به لغو تمامی امتیازات داوطلبانه و موقت اعطاء شده پیشین از جمله اجرای بدون تصویب پروتکل الحاقی می باشد. اعلان می نماید که تهدید به ارجاع موضوع به شورای امنیت، تغییری در مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران ایجاد ننموده و کمکی به حل و فصل موضوع نمی نماید.

تمامی بررسی‌ها و گزارش‌های آژانس، بر پایبندی جمهوری اسلامی ایران نسبت به معاهدات خلع سلاح به ویژه NPT و نیز بر صلح آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران دلالت دارد و لذا ضمن تأکید مجدد بر این مواضع، اتهام عدم پایبندی را صرفاً موضعی سیاسی و فاقد پشتوانه حقوقی تلقی می‌نماید. اصرار بعضی از کشورها برای نظرات یکجانبه‌گرایانه و شکستن روح اجماع در تصمیمات شورای حکام، تهدید جدی برای موفقیت فعالیت‌های بین‌المللی در این حوزه می‌داند. تعامل برابر را به عنوان استراتژی رفتار خود در حوزه هسته‌ای اعلام می‌دارد و چارچوب دیپلماتیک و مذاکراتی را به عنوان مبنای عمل موفقیت‌آمیز به شمار می‌آورد و آماده پذیرش هرگونه پیشنهاد سازنده و کارآمد می‌باشد. مذاکرات با کشورهای مختلف جهت تسهیل فعالیت‌های آژانس را مفید و از آن استقبال می‌کند و سه کشور اروپایی را دعوت می‌کند تدریجاً در حل مسئله اتمی را به تعامل و مذاکره جهت تفاهم بدل نمایند.

۹. توضیحات کتبی جمهوری اسلامی ایران در مورد قطعنامه شورای حکام^۱

جناب آقای البرادعی

مدیرکل محترم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

همانگونه که مطلعید، علیرغم همکاری‌های بی‌سابقه جمهوری اسلامی ایران با آژانس در طول نزدیک به سه سال گذشته به ویژه اعطای دسترسی به حساس‌ترین اماکن و ارائه محرمانه‌ترین اطلاعات در بیش از ۱۴۰۰ نفر روز سخت‌گرانه‌ترین بازرسی‌ها که منجر به رفع ابهامات و حل موضوع‌ها گردید، متأسفانه تعداد معدودی از اعضای شورای حکام قطعنامه‌ای را پیشنهاد نمودند که کاملاً با هدف سیاسی و نادیده گرفتن نقش اساسی آژانس و دستاوردهای بسیار ناشی از همکاری‌های ایران طراحی گردیده بود. به دلائل بسیار حقوقی و فنی که برخی از آن‌ها در متن پیوست آمده است، دیگر کشورهای عضو در بیانیه‌ای صریح این اقدام را در جهت تضعیف آژانس به عنوان سازمان فنی و تخصصی و گشودن باب تقابل میان اعضاء و بالأخره بدعتی خطرناک دانستند. لذا، با رأی خود عدم حمایت رسمی را اعلام نمودند. برای اولین بار اجماع شورای حکام آژانس و اصطلاحاً روح وین شکسته شد. لازم به ذکر است که نقطه ضعف موجود در نحوه ارائه گزارش توسط دبیرخانه به شورای حاکم، زمینه سوء استفاده روند فنی برای اهداف سیاسی را فراهم آورد. لذا، انتظار می‌رود با اولویت بندی موضوع‌ها و عدم ذکر موضوع‌های تکراری و انعکاس واقعیت‌ها به خصوص دستاوردهای مثبت همکاری‌های مشترک دبیرخانه آژانس به سرپرستی جنابعالی و ایران، زمینه را برای گسترش همکاری کشورهای عضو با یکدیگر در جهت ارتقاء استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای فراهم آورید. بدین وسیله، خواهشمند است متن پیوست که نقدی است بر قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۵، به شورای حکام و پنجاهمین کنفرانس عمومی آژانس منعکس شود.

^۱ INFCIRC/۶۶۱، ۱۷ NOVEMBER ۲۰۰۵.

تناقضات و اشکالات حقوقی موجود در قطعنامه شورای حکام، سپتامبر ۲۰۰۵

در زمینه فعالیت های هسته ای ایران

- قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۵، در واقع متعاقب قطعنامه اوت ۲۰۰۵ صادر شده است. محرکه صدور قطعنامه اوت ۲۰۰۵، شروع مجدد فعالیت های UCF بعد از مدت ها تعلیق داوطلبانه بوده است. تأسیسات UCF کاملاً تحت نظارت آژانس قرار داشته است و پرسش نامه اطلاعات طراحی آن در سال ۲۰۰۰ و در واقع نزدیک به ۴ سال زودتر از آنچه که براساس پادمان جامع (INFCIRC/۲۱۴) ایران ملزم باشد، تحویل آژانس شده است و درمورد آن هیچ گونه قصوری گزارش نشده و هیچ موضوع باقیمانده ای به UCF مربوط نبوده است و هم اکنون بنا به آنچه که مدیرکل گزارش کرده است، تحت بازرسی روزمره قرار دارد. درحالی که تمام اقدامات داوطلبانه ایران برای تعلیق غنی سازی همانگونه که به صراحت در قطعنامه های آژانس هم ذکر شده است برای اعتمادسازی بوده و به لحاظ حقوقی غیرالزام آور است، ایران داوطلبانه در قالب موافقت نامه پاریس دامنه تعلیق را به UCF گسترش داد. درمورد ضروری بودن تعلیق و عبارت ضروری، همان طور که در قطعنامه بیان شده است، حفظ تعلیق تا زمان حل و فصل مسائل باقی مانده می باشد. بحث های باقی مانده اساساً به فعالیت های غنی سازی سانتریفیوژ و اصولاً مربوط به منشأ آلودگی است که در حل آن ها نیز پیشرفت های زیادی شده است. بنابراین، هیچ توجیهی نیست که این مسائل باقی مانده را به UCF ارتباط دهیم. UCF مربوط به فرایند غنی سازی نیست. ایران به عنوان اقدامات داوطلبانه و با هدف اعتمادسازی و به عنوان یک اقدام غیرالزام آور حقوقی، UCF را تعلیق کرده است. لذا، هیچ گونه توجیه برای صدور چنین قطعنامه غیرمتوازن و ناعادلانه ای وجود ندارد.

- در بند ۴ اجرایی قطعنامه، از ایران خواسته شده است که در ساخت رآکتور آب سنگین تجدیدنظر کند، درحالی که درمورد ساخت رآکتور آب سنگین هم هیچ قصوری در گزارش دهی وجود ندارد و همه اقدامات آن تحت نظارت آژانس است و اظهارنامه های آن هم به صورت مرتب براساس پروتکل الحاقی که ایران داوطلبانه اجراء می کند، ارائه شده و به طور منظم روزآمد می شود. بنابراین، هیچ توجیهی برای تجدیدنظر در تصمیم ایران درخصوص ساخت این رآکتور وجود ندارد. با توجه به پایان رسیدن عمر کاری

راکتور تحقیقاتی تهران که رادیوایزوتوپ های مورد نیاز بیمارستان ها را تولید می کند، درخواست این قطعنامه در تناقض آشکار با اهداف مندرج در اساسنامه آژانس است.

- بند یک اجرائی، خلاف اصول شناخته شده حقوق بین الملل است. چون طبق اصول حقوق بین المللی که پذیرش معاهدات بین المللی را مبتنی بر اصول رضایت آن ها می داند، نمی توان کشوری را مجبور به پذیرش یک معاهده کرد. همچنین طبق کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در خصوص حقوق معاهدات نمی توان کشوری را مجبور به پذیرش یک سند الزام آور حقوقی کرد. تصویب، یک فرایند زمان بر است و به کارگیری عبارت "فوراً"، یک شرط غیرقابل قبول است.

- مدیرکل در بند ۵۰ درخواست اختیارات بیشتر حقوقی کرده است، اما ایران و خیلی از کشورها (بند ۱۶ بیانیه نم در اجلاس شورای حکام سپتامبر ۲۰۰۵) معتقدند که هرگونه افزایش اختیارات تنها پس از مذاکره میان کشورهای عضو آژانس و تصویب با اجماع عملی خواهد بود و خارج از اختیارات اساسنامه نمی توان اختیارات آژانس را افزایش داد.

- در مورد قصورها، همانگونه که بیان شده است اقدامات اصلاحی انجام شده است. این موضوع در بند (و) قطعنامه هم درج شده است. این واقعیت همچنین در همین قطعنامه شورای حکام درج گردیده است. هرچند که ایران از ابتداء نظری متفاوت در این زمینه داشته است، با این حال این ها در مسیر حل و فصل قرار دارند و پس از گذشت دو سال بازرسی گسترده می بایستی یک رهیافت متوازن در این رابطه دنبال می شد که پیشرفت و اصلاحات صورت گرفته را لحاظ کند. شورای حکام نیز در قطعنامه های مختلف، این پیشرفت ها را یادآور شده است. گزارش های متوالی مدیرکل نیز بر این واقعیت صحنه گذاشته است (بند ۹۰ و ۱۰۷ و ۴۳ و ۴۶ گزارش GOV/۲۰۰۴/۳۸).

- بند (و) این قطعنامه بر گزارش مدیرکل تأکید می کند که پیشرفت خوبی درمورد اصلاح قصورات ایران و نیز درمورد قابلیت آژانس در تأیید ابعاد مشخصی از اظهارنامه های جاری ایران رخ داده است. در پرتو این بند، بند یک اجرایی قطعنامه دارای تناقض است و تلاش می کند تا عدم پایداری ایران به تعهداتش را احراز کند.

- ایران همواره بر این نظر بوده است که به اصطلاح قصورها، اختلاف برداشت از مقررات پادمان هستند. در عین حال، همکاری گسترده ای برای حل آن ها با آژانس به عمل آورده است و در گزارش های متعدد مدیرکل و حتی در همین قطعنامه نیز به آن ها اشاره شده است. برگشت به سال ۲۰۰۳ و مطرح کردن قصورها و بزرگ نمایی در آن صرفاً ناشی از انگیزه های سیاسی و نادیده گرفتن پیشرفت های سه سال گذشته بوده است. علاوه بر این،

- مدیرکل در گزارش های خود به صراحت گفته است که ایران هیچگونه انحرافی به جانب اهداف ممنوعه نداشته است.
- نه مدیرکل و نه بازرسان، هرگز از عبارت عدم پایبندی درمورد اجرای پادمان در ایران استفاده نکرده اند. بنابراین، به کارگیری عبارت عدم پایبندی در قطعنامه شورا به وضوح فاصله گرفتن از واقعیت ها و فاقد مبنای حقوقی است.
 - در خصوص بند (س) که می گوید آژانس در موقعیتی نیست که نتیجه گیری نماید مواد یا فعالیت اظهارنشده ای در ایران وجود ندارد، باید اضافه کنیم که همیشه مدیرکل در گزارش های مختلف خود به شورا اطلاع داده است که رسیدن به جمع بندی درخصوص این که فعالیت های اظهارنشده در کشورها وجود ندارد، برای همه کشورها فرایندی زمان بر است (بند GOV/۲۰۰۵/۵۱). بنابراین، پررنگ کردن این موضوع درمورد ایران غیرعادلانه است و طبق گزارش های اخیر آژانس، این سازان برای تعداد انگشت شماری این تأییدیه را صادر کرده است که فعالیت های اظهارنشده در آن ها وجود ندارد.
 - از آنجا که انحراف به سمت اهداف ممنوعه صورت نگرفته است و پیشرفت خوبی در حل مسائل باقی مانده به عمل آمده است و این نتیجه گیری آژانس پس از ۱۳۰۰ نفر-روز بازرسی به دست آمده است و نیز با توجه به تداوم بازرسی ها، هیچ جایی برای موضوع نگرانی امنیتی درمورد فعالیت های صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران باقی نمی ماند تا مبنایی برای این که موضوع در صلاحیت شورای امنیت قرار گیرد فراهم کند. بنابراین، بند ۲ اجرایی نیز فاقد وجاهت قانونی بوده و حاکی از آن است که آژانس تا چه میزان دستخوش اهداف سیاسی شده است و با چشم پوشی از واقعیاتی که در گزارشات مدیرکل هم بیان شده اند، این قطعنامه تلاش های آژانس را نیز زیر سؤال برده است.
 - هرچند که قطعنامه در بند (ب) به حق غیرقابل انکار اعضای معاهده NPT برای توسعه تحقیق، تولید و استفاده از انرژی اتمی برای اهداف صلح آمیز، بدون تبعیض و مبتنی بر مواد ۱ و ۲ معاهده تأکید کرده است، اما در تناقض با آن در بند ۴ اجرایی خود مواردی را قید کرده که عملاً جمهوری اسلامی ایران را از اعمال این حق محروم می سازد. معیارهای مندرج در بند ۴ قطعنامه، برخلاف اهداف و وظائف آژانس و اساسنامه آن است.
 - بند (ک) قطعنامه از ایران می خواهد که تأسیسات تبدیل اورانیومی را تعلیق کند که کاملاً تحت نظارت آژانس است و نیز هیچ سؤال درمورد آن وجود ندارد و بازرسی های عادی آژانس بر آن اعمال می شود. چنان تقاضایی حتی از یک دلیل پیش افتاده هم برخوردار نیست.

- بند (ل) و زیربند ۴ (۳) از ایران خواسته است تا در ساخت یک رآکتور تحقیقاتی آب سنگین تجدیدنظر کند. چنین تقاضایی فراتر از اختیارات شورا است و در تناقض با همه اسناد حقوقی در زمینه عدم اشاعه و پادمان است. معاهده NPT و نتایج کنفرانس های بازنگری معاهده تأکید دارند که تا آن هنگام که فعالیت های هسته ای یک کشور تحت نظارت آژانس است، آن کشور نبایستی از تحقیق و توسعه و کاربرد انرژی هسته ای و به ویژه آب سنگین محروم شود.
- بند ۴ (۴) اجرایی از ایران می خواهد که فوراً پروتکل الحاقی را تصویب و کاملاً اجراء کند. این تقاضا نیز به وضوح فراتر از اختیارات شورا و چشم بستن به حقیقت ها است. جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ پروتکل را امضاء کرده است و از آن زمان تاکنون داوطلبانه آن را اجراء کرده است. تقاضا از یک دولت برای تصویب فوری یک سند حقوقی در حیطه اختیارات شورا نیست و براساس اصول حقوق بین الملل در حیطه صلاحیت دولت است و رضایت دولت، شرط اساسی تصویب یک سند حقوقی است. تصویب یک سند حقوقی همچون پروتکل الحاقی، در هر نظام حقوقی امری زمان بر است و نمی تواند آنگونه که قطعنامه خواسته است «فوراً» صورت گیرد.